

پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران

سال هفتم، شماره پیاپی ۲۲، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۲۷

صص ۵۵-۸۲

مطالعه کیفی علل ترمرد شهروندان از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی با رویکرد نظریه زمینه‌ای^۱

مریم رحمانی، استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه بجنورد، ایران*

چکیده

ترمرد از فرمان پلیس طبق ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) جرم محسوب می‌شود و مجموعه قوانین، مقررات و شرایط موجود تاکنون نتوانسته‌اند بازدارنده مناسبی برای جرم ترمرد شهروندان از فرمان پلیس باشند. برای شناسایی بهتر شرایط موجود، این نوشتار با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی، دلایل ترمرد شهروندان از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی را بررسی کرده است. در این پژوهش از روش نظریه زمینه‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت یافته بهره گرفته شده است. برای انتخاب نمونه از جامعه آماری (شامل ترکیبی از شهروندان، مأموران پلیس و کارشناسان و صاحب‌نظران)، دو نوع نمونه‌گیری هدفمند و نظری به‌طور همزمان به کار گرفته شد. نمونه‌ها به شیوه در دسترس با ملاک حداکثر تنوع انتخاب و بر پایه اشباع نظری نمونه‌گیری پایان یافت؛ پس از استخراج مفاهیم اساسی (۸۵ مفهوم)، مقوله‌های فرعی (۲۸ مقوله) و مقوله‌های عمده (۱۰ مقوله)، همه مقوله‌های عمده برحسب جنبه‌های شرایطی، تعاملی و پیامدی با همدیگر تلفیق شدند و الگویی تلفیقی، همگرا و دارای سطح انتزاعی بالاتر - که بیان‌کننده سؤال اصلی پژوهش است - استخراج شد. بر این اساس ترمرد از فرمان پلیس به‌منزله پدیده محوری شامل چهار نوع ابزاری، اعتراضی، خاص‌گرا و نمایشی، شرایط علی ترمرد از فرمان پلیس شامل سه مقوله عمده قانون نارسا و آموزش ناکارآمد، اجتماع تسهیلگر ترمرد و فرسایش سرمایه اجتماعی، شرایط زمینه‌ای شامل دو مقوله عمده برزخ زندگی و نارسایی زیرساخت‌ها و تجهیزات، شرایط مداخله‌گر شامل مقوله عمده مدیریت ضعیف صحنه تعامل، شرایط تعاملی شامل راهبردهای ترمرد کلامی و غیرکلامی و پیامد ترمرد از فرمان پلیس شامل دو مقوله عمده کاهش مشروعیت قانون و کاهش اقتدار پلیس‌اند که از متن مصاحبه‌ها استخراج شده‌اند.

واژه‌های کلیدی: نظریه زمینه‌ای، ترمرد، پلیس، شهروند، خراسان شمالی

^۱ این مقاله برگرفته از طرح تحقیقاتی با عنوان علل ترمرد شهروندان نسبت به فرمان پلیس و راهکارهای پیشگیری از آن در استان خراسان شمالی است و تحت حمایت دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان خراسان شمالی به انجام رسیده است.

Email: m.rahmani@ub.ac.ir

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۳۸۴۷۶۴۲

Copyright©2018, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially.

Doi: 10.22108/ssoss.2019.115882.1381

مقدمه و بیان مسئله

تمرد شهروندان از فرمان پلیس از آن نظر تأمل‌برانگیز است که این جرم علیه مأموران پلیس انجام می‌شود که ضامن حفظ نظم و امنیت برای شهروندان‌اند. از آنجا که مجموعه عوامل و شرایط بسیاری وجود دارد که بر همراهی و همگامی شهروندان با مأموران پلیس تأثیر می‌گذارد، مأموران پلیس برای انجام وظیفه‌شان در راستای حفظ نظم به حمایت قانونی نیاز دارند. یکی از حمایت‌های قانونی مدنظر، ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) است که تمرد علیه فرمان پلیس را جرم انگاشته و برای آن مجازات تعیین کرده است.

با وجود جرم‌بودن تمرد از فرمان پلیس که تمرد عمومی نامیده می‌شود، این جرم علیه مأموران پلیس هر روزه رخ می‌دهد؛ بنابراین، تصویرهای حاصل از وضع موجود، در تناسب و همراهی لازم با تصورها نبوده و نتیجه کارهای انجام‌شده تا به حال، در دو سطح به توقعات و الزامات موردنیاز پاسخ لازم را نداده است؛ نخست آنکه مجموعه قوانین و مقررات و شرایط موجود تاکنون نتوانسته‌اند بازدارنده مناسبی برای جرم تمرد از فرمان پلیس باشند. دوم آنکه وضع موجود با ایده‌ها و دیده‌های معاونت اجتماعی ناجا، یعنی تلاش برای حفظ نظم و حمایت از مأموران پلیس در برابر متخپیان از قانون برای انجام وظیفه هرچه بهتر و ایمن‌تر مأموران پلیس، همگام نیست؛ از این‌رو، این پژوهش برای پاسخ‌دادن به پرسش اصلی خود که دلایل تمرد شهروندان از فرمان پلیس در خراسان شمالی چیست، دلایل مذکور را شناسایی و بررسی می‌کند.

بررسی و شناسایی دلایل تمرد از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی از چند جنبه اهمیت دارد؛ نخست اینکه، تمرد از فرمان پلیس جرم است و تهدیدی علیه نظم و امنیت جامعه محسوب می‌شود و دوام و بقای هر جامعه بدون وجود نظم و امنیت ممکن نخواهد بود. دوم اینکه، این جرم علیه مأموران پلیس انجام می‌شود که خود از مجریان حفظ نظم و امنیت در جامعه‌اند. حفاظت مأموران پلیس از اقدام به جرم علیه ایشان،

ضمن حفظ نظم در اجتماع، امنیت خاطری برای مأموران پلیس خواهد بود. سوم اینکه، این بررسی می‌تواند ضمن علت‌یابی تمرد مردم، مسائلی همچون مشروعیت مأموران پلیس و نهادهای حاکمیتی را بررسی کند که بر جرم تمرد از فرمان پلیس اثرگذارند. چهارم اینکه، شناسایی دلایل تمرد، سبب ارائه نظریه‌ای زمینه‌ای متناسب با وضع موجود آن در استان خراسان شمالی می‌شود. پنجم اینکه، پژوهش‌های پیشین انجام‌شده عموماً بر قانون‌گریزی متمرکزند و کمتر بر شناسایی دلایل تمرد از فرمان پلیس تمرکز کرده‌اند؛ بنابراین، انجام این پژوهش می‌تواند دامنه مطالعات نظری در این حوزه را بسط و گسترش دهد و بستر مناسبی برای انجام پژوهش‌های بیشتر فراهم کند.

پژوهش‌های پیشین

پژوهش‌های ملی

دعاگویان (۱۳۸۲) در پژوهش «ساختار تعامل پلیس و مردم» ضمن بررسی چهار بعد تعامل (گفتمانی، عاطفی، مبادله‌ای و قدرت)، چارچوب نظری تعامل پلیس با مردم و راهکارهایی برای جلب اعتماد عامه مردم به پلیس و بهبود تعامل پلیس و شهروندان ارائه کرده است.

رضایی (۱۳۸۴) در پژوهش «میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، سه نوع قانون‌گریزی ابزاری، اعتراضی و اخلاقی را بین کارمندان شاغل در وزارت‌خانه‌ها به روش پیمایش سنجیده است.

دانایی‌فرد و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش «قانون‌گریزی در ایران» با شیوه پیمایش نقش پنج عامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و قانونی را بر قانون‌گریزی بررسی کرده‌اند.

علی‌بابایی و فیروزجاییان (۱۳۸۸) در پژوهش «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی» با فراتحلیل پژوهش‌های انجام‌شده، عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی نرم را به عوامل زمینه‌ای، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تقسیم و راهکار در این زمینه ارائه کرده‌اند.

رفتار مظنون و همچنین پلیس، سن، جنسیت، طبقه اجتماعی)، مشخصات شکایت‌کننده (ترجیحات، رفتار، نژاد و طبقه، پدیداری^۲)، متغیرهای موقعیتی (نحوه ورود به نیروی پلیس (فعالانه یا واکنشی))، متغیرهای سازمانی، ویژگی‌های اجتماع (طرز اداره حکومت، اقتصاد، جمعیت) و متغیرهای قانونی (جدی بودن جرم، وجود شاهد، قاعده میراندا^۳).

مک‌الوین و کپسوا^۴ (2004) در پژوهش «ویژگی‌های افسران پلیس و بازجویی امور داخلی برای اتهام کاربرد زور» هدف خود را بررسی رابطه بین ویژگی‌های افسران پلیس (مانند تجربه، نژاد، جنس، سن) و رسیدگی امور داخلی برای اتهام (ادعای) استفاده از زور بیان کرده‌اند. داده‌های پژوهش آنها از پرونده‌های پرسنلی افسران استخدام‌شده در کلانتری ریورساید از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ استخراج شده‌اند. تحلیل‌ها نشان می‌دهند هرچه تجربه سازمانی کمتر باشد، احتمال بازجویی شدن بیشتر است. چنین نتیجه‌گیری شد که چنانچه به آموزش و مشاوره افسران جوان و تازه‌کار توجه بیشتری نشان داده شود، ممکن است بازجویی برای اتهام کاربرد زور از طرف افسران کاهش نسبتاً زیادی یابد.

بلویدر و همکاران^۵ (2005) در پژوهش «تشریح مقاومت فرد مظنون در رویارویی پلیس با شهروند» پرونده‌های پلیس را بررسی کردند تا ببینند چرا مظنونان در برابر بازداشت مقاومت می‌کنند. تجزیه و تحلیل براساس نمونه‌ای از ۴۰۰

۲ در پدیداری منظور، مکان برخورد پلیس با شهروند است که در مکان عمومی باشد یا خصوصی.

۳ قاعده میراندا ناظر به رأی است که دیوان عالی آمریکا در پرونده میراندا علیه آریزونا در سال ۱۹۶۶ صادر کرد. هشدار میراندا حقی قانونی است که مطابق با آن شخص بازداشت‌شده می‌تواند تا زمان حضور وکیلش به هیچ پرسشی از جانب پلیس پاسخ ندهد. همچنین او حق دارد در تمام مراحل دادرسی وکیل برای خودش داشته باشد. هشدار میراندا شامل موارد زیر است: شما حق دارید سکوت کنید. هرچه بگویید در دادگاه علیه شما استفاده خواهد شد. شما حق دارید وکیل داشته باشید و اگر توانایی اختیار وکیل ندارید یک وکیل به‌صورت رایگان برای شما منصوب خواهد شد. آیا حقوقی را که برای شما قرائت شد، متوجه شدید؟

فیروزجاییان (۱۳۹۰) در پژوهش «قانون‌گریزی» که تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای است، با قائل شدن تمایز بین قانون‌گریزی سخت و نرم، به روش توصیفی - همبستگی و از طریق پیمایش، نسبت بین وجودداشتن عدالت رویه‌ای، مشروعیت سیاسی و اعتماد مدنی را با قانون‌گریزی نرم بررسی کرده است.

محسنی (۱۳۹۱) در پژوهش «تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی»، به شیوه پیمایش در مازندران نشان داده است بین ویژگی‌های شخصیتی افراد، آموزش و آگاهی آنها از قوانین، ضعف و خلأ قوانین، بی‌هنجاری، مشکلات قانون‌گریزی و اجباری بودن قوانین با قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد.

حیدری و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش «نظریه ازهم‌گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی»، با روش پیمایش رابطه فردگرایی، پیشرفت‌گرایی، جهان‌گرایی، بت‌وارگی پول و پایگاه اجتماعی - اقتصادی را با قانون‌گریزی بین دانشجویان دانشگاه شهید چمران بررسی کرده‌اند.

شاکری و رستگاری (۱۳۹۳) در پژوهش «بررسی جرم تمرد در حقوق ایران در مقایسه با حقوق آمریکا و انگلیس» با روش تحلیل و تبیینی براساس مطالعات کتابخانه‌ای، جرم تمرد در ایران، آمریکا و انگلیس را مقایسه و تفاوت‌های آنها را بررسی کرده‌اند و بر تشدید مجازات استفاده‌کنندگان از سلاح در ارتکاب جرم تمرد تأکید کرده‌اند. پژوهش‌های بین‌المللی

شرمن^۱ (1980) در پژوهش «علل رفتار پلیس: وضعیت کنونی تحقیقات کمی»، یافته‌های پژوهش کمی درباره چهار حوزه رفتار پلیس یعنی تشخیص، دستگیری، خدمت و خشونت را سازماندهی و تدوین می‌کند و برای سازماندهی یافته‌های آن چارچوب، پنج رویکرد توضیحی را به کار می‌برد که شامل موارد زیر است: ویژگی‌های فردی افسران پلیس (سن، طول مدت خدمت، جنسیت، نژاد، تحصیلات، رضایت شغلی، نگرش‌های نژادی)، ویژگی‌های مظنون (نژاد، نحوه

⁴ McElvin & Kposowa

⁵ Belvedere et al.

¹ Sherman

به وسیله آنها هویت‌های قدرت و بی‌قدرتی به صورت محلی بازسازی می‌شوند، تعاملات را در صحنه برخورد رانندگان خاخی با افسران گشت بزرگراه کالیفرنیا بررسی می‌کنند. این پژوهش مطالعه‌ای زبان‌شناسی با تأکید بر ایده‌های گافمن است.

روچک و همکاران^۵ (2012) در پژوهش خود با شهروندانی که در برابر فرمان پلیس مقاومت کرده‌اند و افسرانی که از نیروی زور برای کنترل شهروندان استفاده کرده‌اند، مصاحبه کرده‌اند و طی آن ادراکات و رفتارهایی را بررسی کرده‌اند که در برخورد پلیس و شهروند سبب به وجود آمدن مقاومت فیزیکی و زور می‌شوند.

جیل و همکاران^۶ (2018) کاربرد زور از طرف پلیس را در رویارویی با شهروندانی بررسی کرده‌اند که مشکلات سلامت رفتاری دارند. پژوهش آنان با بررسی تجربیات و ادراکات افسران از تعامل با شهروندان مذکور انجام شده است.

جمع‌بندی مطالعات پیشین

در بررسی و تحلیل پژوهش‌های پیشین می‌توان به صورت کلی چنین بیان کرد: در پژوهش‌های پیشین ملی از مفهوم تمرد از فرمان پلیس غفلت شده است و بر این اساس و طبق قانون همپل از مفهوم قانون‌گریزی بهره گرفته شده است که تمرد از فرمان پلیس مصداقی از آن است. پژوهش دعاگویان (۱۳۸۲) از نظر بررسی تعامل پلیس و شهروند، پژوهشی متمایز و مفید در راستای اهداف پژوهش است. پژوهش شاکری و رستگاری (۱۳۹۳) نیز با مقایسه جرم تمرد در قانون ایران با قانون آمریکا و انگلیس، متمایز با پژوهش‌های دیگر به‌طور ویژه جرم تمرد را مطرح کرده است. در پژوهش‌های پیشین بین‌المللی به مفهوم مقاومت در برابر دستگیری که نزدیک‌ترین مفهوم به تمرد است، توجه شده است.

در پژوهش‌های پیشین ملی از برخی پژوهش‌ها برای بسط دامنه نظری پژوهش استفاده شده است که می‌توان به

گزارش پلیس از اداره پلیس شهری در جنوب کالیفرنیا بود. آنها دریافتند این احتمال بیشتر است که مظنونان سیاه نسبت به همتای سفید و اسپانیایی خود در برابر دستگیری مقاومت کنند و نتایج را با استفاده از الگوهای نظری مرتبط با مقاومت شهروندان در برابر دستگیری توضیح دادند.

هاورث^۱ (2006) در پژوهش «پویایی قدرت و مقاومت در گفتمان مصاحبه پلیس» که مصاحبه‌های پلیس با مظنونان را براساس تجزیه و تحلیل گفتگو و تجزیه و تحلیل گفتمان انتقادی بررسی کرده است، به نقش تبعیض‌آمیز و نابرابر پلیس و مظنون به منزله یکی از موارد تأثیرگذار بر تعادل قدرت و کنترل اشاره می‌کند.

تیلر و فاگان^۲ (2008) در مطالعه‌ای با عنوان «مشروعیت و همکاری» دلایل همکاری مردم با پلیس و پیروی آنان از قوانین را بررسی کرده‌اند. در این مطالعه که میان ساکنان شهر نیویورک انجام شده است، بر تأثیر مشروعیت پلیس بر همکاری مردم با پلیس در مبارزه با جرم و اطاعت از قوانین تأیید شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند مشروعیت با رویه‌های عادلانه اعمال اقتدار پلیس رابطه دارد. این مطالعه تأثیر تجربه روابط افراد با پلیس را بر مشروعیت آنان و در نهایت همکاری و اطاعت از قوانین را نشان می‌دهد. همچنین نتایج نشان می‌دهند عدالت رویه‌ای در طول یک تجربه شخصی، مشروعیت را صرف نظر از مطلوب بودن برآیند افزایش می‌دهد (به نقل از فیروزجاییان، ۱۳۹۰: ۳۹۵).

ویلسون و بوکلر^۳ (2010) در پژوهش «بحث درباره اصلاحات پلیس: بررسی حمایت اقلیت از نظارت شهروندان و مقاومت توسط اتحادیه‌های پلیس» نشان دادند شهروندان متعلق به گروه‌های اقلیتی با نظارت شهروندان بر نیروی پلیس موافق و اتحادیه‌های پلیس با این امر مخالف بودند. یکی از دلایل مطرح شده برای موافقت گروه‌های اقلیت، گزارش‌های مرتبط با سوء رفتار پلیس با شهروندان اقلیت بود.

اسمیت^۴ (2010) با هدف نشان‌دادن فرایندهای تعاملی که

¹ Haworth

² Tyler and Faggan

³ Wilson & Buckler

⁴ Smith

⁵ Rojek et al.

⁶ Gill et al.

تمرد

قوانین هنجارهایی‌اند که حکومت‌ها به‌منزله اصولی تعریف کرده‌اند که شهروندانشان باید از آنها پیروی کنند. علیه کسانی که از قوانین پیروی نمی‌کنند از ضمانت‌های اجرایی رسمی استفاده می‌شود. هر جا قانون وجود دارد جرم نیز وجود دارد؛ زیرا ساده‌ترین تعریف جرم عبارت است از هر شیوه رفتاری که قانون را نقض می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۳، به نقل از فیروزجاییان، ۱۳۹۰: ۳۸۴). تمرد در فرهنگ فارسی معین به معنای گردنکشی کردن، سرپیچی کردن، نافرمانی کردن، گردنکشی، سرکشی و نافرمانی است (معین، ۱۳۸۷: ذیل مدخل تمرد).

جرم تمرد در دسته‌بندی جرائم در زمره جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی طبقه‌بندی می‌شود. این جرم از طرف اشخاص عادی نسبت به مأموران دولتی یا اشخاص نظامی نسبت به مأموران نظامی در حال انجام وظیفه قانونی‌شان تحقق‌پذیر است. همچنین این جرم از طرف کارمندان دولت نسبت به مافوقشان تصورپذیر است. جرم تمرد به‌طور جداگانه هم در قانون مجازات اسلامی و هم در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح پیش‌بینی شده است. تمرد در قانون مجازات اسلامی را تمرد عمومی و تمرد در قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح را تمرد نظامی می‌نامند (امینی‌نیک، ۱۳۸۷). در این پژوهش درباره تمرد به‌منزله جرم عمومی بحث و بررسی می‌شود.

«اولین قانون جزای ایران که تمرد را جرم عمومی مطرح کرد، قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ هـ ش. در مواد ۱۶۰^۱ و ۱۶۱ بود؛ سپس در سال ۱۳۵۰ قانون‌گذار در ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان

^۱ «ماده ۱۶۰ قانون مجازات عمومی ایران مصوب ۱۳۰۴: هرگونه حمله یا مقاومتی که با اقدام عملی به‌طور تجری نسبت به مأموران دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید تمرد محسوب می‌شود و مجازات آن به‌قدر ذیل:

۱ هرگاه متهم در حین اقدام دست به اسلحه کند به حبس مجرد از دو الی شش سال؛

۲ هرگاه متهم مسلح بوده ولی دست به اسلحه نکند به حبس تأدیبی از چهار ماه تا دو سال؛

۳ هرگاه متهم غیرمسلح باشد به حبس تأدیبی از سه ماه الی یک سال محکوم خواهد شد» (شاکری و رستگاری، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

پژوهش‌های رضایی (۱۳۸۴)، دانایی‌فرد و همکاران (۱۳۸۸)، فیروزجاییان (۱۳۹۰)، محسنی (۱۳۹۱)، حیدری و همکاران (۱۳۹۱) در زمینه قانون‌گریزی و پژوهش دعاگویان (۱۳۸۲) درباره تعامل پلیس و شهروندان اشاره کرد. همچنین پژوهش‌های دعاگویان (۱۳۸۲)، رضایی (۱۳۸۴)، دانایی‌فرد و همکاران (۱۳۸۸)، حیدری و همکاران (۱۳۹۱) و محسنی (۱۳۹۱) از جمله پژوهش‌هایی‌اند که نظریات در جامعه ایران را بررسی و آزمون کرده‌اند. از این نظر برای آشنایی با وضعیت قانون‌گریزی در ایران مناسب‌اند.

پژوهش‌های پیشین بین‌المللی با تأکید خاص بر رابطه پلیس و شهروند بخش تخصصی‌تر و مرتبط‌تر با نظریه‌های تمرد از فرمان پلیس را در پژوهش حاضر پوشش داده‌اند. پژوهش‌های شرمین (۱۹۸۰)، مک‌الوین و کپسوا (۲۰۰۴) و بلویدر و همکاران (۲۰۰۵)، اسمیت (۲۰۱۰) و روجک و همکاران (۲۰۱۲) تعامل پلیس و شهروند را بررسی و در این میان علت‌های آن را براساس نظریات موجود بیان کرده‌اند که در پژوهش حاضر از بخش مبانی نظری آنها به‌طور مستقیم و از نتایج آنها در بحث یافته‌های پژوهش استفاده شده است. پژوهش‌های هاورث (۲۰۰۶) و ویلسون و بوکلر (۲۰۱۰) بر نابرابری جایگاه پلیس و شهروند و رفتار پلیس با شهروندان اقلیت در زمینه تمرد شهروندان از فرمان پلیس متمرکز شده‌اند. پژوهش تیلر و فاگان (۲۰۰۸)، به نقل از فیروزجاییان، (۱۳۹۰) نیز با طرح عدالت رویه‌ای به‌منزله یکی از دلایل همکاری مردم با پلیس، دامنه نظری مطالعات را غنا بخشیده و در پژوهش حاضر استفاده شده است. همچنین در بررسی پژوهش‌های بین‌المللی چنین استنباط می‌شود که پژوهش‌های مرتبط با مقاومت در برابر فرمان پلیس به‌سمت تأکید بیشتر بر تحلیل گفتگو و ادراک از تعاملات در تعامل بین دو بازیگر اصلی این موضوع یعنی شهروند و پلیس گرایش داشته‌اند که در پژوهش هاورث (۲۰۰۶)، اسمیت (۲۰۱۰) و روجک و همکاران (۲۰۱۲) مشاهده می‌شود.

مفاهیم نظری

می‌شود که کنش غیرقانونی در مجموع سود بیشتری برای او دارد. این نوع کنش دقیقاً آگاهانه است و عوامل ساختاری و اجتماعی متعددی شرایط شکل‌گیری آن را فراهم می‌کنند (رضایی، ۱۳۸۴: ۵۳). در قانون‌گزینی اعتراضی مشروعیت‌نداشتن قانون و نهادها و مجریان آن مبنای جهت‌گیری قانون‌گريزانه را شکل می‌دهند. در این حالت، هنجارها و الزام‌های درونی‌شدهٔ مقوم اطاعت از بین می‌روند (رضایی، ۱۳۸۴: ۵۵). قانون‌گزینی اعتراضی مشابه با دومین رویکرد مدنظر تیلر دربارهٔ همکاری مردم و پیروی از قانون و مجریان قانون است که تیلر آن را رویکرد هنجاری یا غیرابزاری می‌نامد. قانون‌گزینی اخلاقی وضعیتی است که شخص تنها براساس آنچه خود درست می‌پندارد، عمل می‌کند. در چنین وضعیتی، از نظر عامل کنش حاصل از جهت‌گیری قانون‌گريزانه نیست؛ بلکه عمل تنها از نظر ناظر عمل قانون‌گزینی محسوب می‌شود. بسیاری از کنش‌هایی که از تعلقات فامیلی و مبتنی بر ارزش‌های خانوادگی در جامعه صورت می‌گیرند، در این دسته قرار می‌گیرند. مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری این نوع قانون‌گزینی حاکمیت معیارهای خاص به جای معیارهای عام است (ر. ک. رضایی، ۱۳۸۴: ۵۷-۵۶).

تمرد در بستر تعامل: تمرد کنش مجرمانه‌ای است که طی یک تعامل رخ می‌دهد و از بعد تعامل بررسی‌شدنی است: از لحاظ تحلیلی تعامل بالقوه دو وجه عمده دارد: وجه ابزاری و وجه اظهاری. در وجه ابزاری، تعامل با دیگری برای کنشگر کاملاً جنبهٔ ابزاری دارد؛ اما آنچه افراد را به هم پیوند می‌دهد و سبب تکرار و دوام و متشکل‌شدن تعاملات می‌شود، بعد اظهاری تعامل است. در بعد اظهاری، تعامل فرد ارزش درونی یا مصرفی دارد؛ به عبارتی، تعامل هدف است و نه وسیله (ر. ک. چلبی، ۱۳۸۲: ۱۷). می‌توان به‌صورت تحلیلی چهار نوع عمدهٔ تعامل را از هم متمایز کرد که عبارت‌اند از: روابط مبادله‌ای (A)، روابط قدرت (G)، روابط گفتمانی (L) و روابط ارتباطی (اجتماعی) (I). در روابط مبادله‌ای، کالا و خدمات مورداحتیاج رابطه، در رابطهٔ قدرت، دستورات، در روابط گفتمانی، اطلاعات و برداشتها برای رسیدن به فهم و در

به سبب اهمیت جرم قاچاق اسلحه، تمرد قاچاقچیان اسلحه را تابع قانون خاص قرار داد^۱. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۲ قانون تعزیرات تصویب شد که مواد ۸۴ و ۸۵ آن مربوط به جرم تمرد بود. با انقضای اعتبار قانون اخیر، قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰ به تصویب رسید که مادهٔ ۶۰۷ و تبصرهٔ آن به شرح زیر به جرم تمرد اختصاص یافت (شاکری و رستگاری، ۱۳۹۳: ۱۲۸). مادهٔ ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) به شرح زیر است:

«مادهٔ ۶۰۷ - هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفهٔ آنان به عمل آید تمرد محسوب می‌شود و مجازات آن به شرح ذیل است:

۱. هرگاه متمرّد به قصد تهدید اسلحهٔ خود را نشان دهد، حبس از شش ماه تا دو سال؛

۲. هرگاه متمرّد در حین اقدام دست به اسلحه برد، حبس از یک تا سه سال؛

۳. در سایر موارد حبس از سه ماه تا یک سال.

تبصره: اگر متمرّد در هنگام تمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود، به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد»

تمرد، موضوع پژوهش حاضر و کنشی مجرمانه است؛ از این رو، هم نظریات مرتبط با جرم تمرد و هم نظریات مرتبط با نوع کنش بررسی می‌شوند.

رضایی، قانون‌گزینی را به منزلهٔ شکلی از رفتار نظام تحلیل و قانون‌گزینی ابزاری، اعتراضی (ناهمنوایی) و اخلاقی را انواع سه‌گانهٔ قانون‌گزینی در ایران معرفی کرده است. در قانون‌گزینی ابزاری، کنشگر در موقعیت کنش، سود و زیان ناشی از اطاعت‌نکردن را محاسبه می‌کند و به این نکته آگاه

^۱ «هرگاه مرتکب یا مرتکبین که لااقل یک نفر از آنها مسلح باشد در مقابل قوای دولتی مقاومت مسلحانه نماید، به اعدام و اگر مقاومت ننماید به حبس با کار از ۳ تا ۱۵ سال محکوم می‌شود» (شاکری و رستگاری، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

^۲ «مادهٔ ۸۴ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲: هرگاه متمرّد در حین اقدام دست به اسلحه کند به حبس از شش ماه الی سه سال و در غیر این صورت، به حبس از ۳ ماه تا یک سال محکوم خواهد شد» (شاکری و رستگاری، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

^۳ «اگر متمرّد در موقع تمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود» (شاکری و رستگاری، ۱۳۹۳: ۱۲۸).

دارندگان و بازیگران قدرت - که در اینجا مأموران پلیس مدنظرند - از نظر شهروندان مشروعیت داشته باشند تا بتوان به آنها اعتماد و تعاملی بدون اختلال را تجربه کرد.

نظریه‌های تمرد

در زمینه تمرد از فرمان پلیس می‌توان به نظریه‌های تمرد به‌طور خاص اشاره کرد؛ اما از آنجا که مفاهیم مرتبط با تمرد در ادبیات پژوهشی داخلی کمتر یافت می‌شوند، طبق قانون همپل^۱ از مفهوم قانون‌گریزی و جرم نیز برای آشنایی با گستره مفهومی و یافتن نظریه‌های مناسب برای تبیین تمرد از فرمان پلیس بهره گرفته شده است. در ابتدا نظریه‌های تمرد از فرمان پلیس مطرح و سپس نظریه‌های قانون‌گریزی و جرم به‌اختصار بیان می‌شوند:

الگوی سنتی بلیک^۲ (1976): بلیک یک نظریه حقوقی را بیان می‌دارد که فرض می‌کند سطح افزایش یافته قشر بندی اجتماعی سبب استفاده بیشتر از قدرت قانونی می‌شود. این فرضیه برای تشریح رفتار شهروندان نسبت به افسران پلیس به کار می‌رود (Engle, 2003: 477). به‌طور خاص اعتقاد بر این است که سطوح بالاتری از قشر بندی بین پلیس و شهروندان، ممکن است سبب مقاومت بیشتری در برابر اقتدار شود (Belveder et al., 2005: 33).

الگوی سیکس و کلارک^۳ (1975): سیکس و کلارک الگوی نظری دیگری را مطرح کردند که برای تشریح تضاد بین مظنونان و پلیس بسط یافته است. آنها بیان می‌دارند که انتظارات و قواعد هنجاری در تعاملات پلیس - شهروند متقارن نیستند؛ زیرا جایگاه دسته‌های درگیر در تبادل برابر

روابط اجتماعی، حق و تکلیف و عاطفه مبادله می‌شوند (چلبی، ۱۳۸۲: ۱۸).

چلبی در بحث اختلال رابطه‌ای بیان می‌کند برای اجتماع امروزی ضروری است که اجتماع شخصی افراد و رای اجتماعات محلی نظیر خانواده گسترش یابد. این امر حاصل نمی‌شود مگر اینکه دو شرط در سطح خرد - نظام شخصیتی و کلان - نظام فرهنگی جامعه تحقق یابد؛ یعنی در سطح نظام شخصیت، برخلاف آنچه به‌طور معمول در جوامع سنتی غالب بوده است، این تمایل غالب شود که افراد غیردوست را دشمن نبینند. شرط دیگر این است که در سطح نظام فرهنگی سوگیری ارزشی نسبت به اعیان اجتماعی متحول شود. به‌طوری که برای تیمار دیگران خاص‌گرایی جای خود را به عام‌گرایی بدهد (چلبی، ۱۳۸۲: ۱۵۹). چلبی مشروعیت را یکی از ابعاد مسئله تنظیم نظم اجتماعی در کنار سه بعد دیگر (سیج و قدرت تراکم، تمرکز قدرت، اعتماد) مطرح و بیان می‌کند که به‌دنبال مشروعیت قواعد بازی، مسئله اعتماد اجتماعی اکثریت نسبت به دارندگان و بازیگران قدرت در جامعه مطرح می‌شود (چلبی، ۱۳۸۲: ۲۵). براساس دیدگاه او می‌توان اظهار کرد که در تعامل پلیس با شهروندان هر چهار نوع عمده تعامل (روابط مبادله‌ای، روابط قدرت، روابط گفت‌وگویی و روابط ارتباطی) بررسی‌شدنی است و در هر تعاملی به‌سبب نوع تعامل، وجهی از این چهار وجه غالب خواهد بود. همچنین تعامل پلیس و شهروند باید بر مبنای گسترش دامنه اعتماد پلیس و شهروند به یکدیگر باشد و این ممکن نمی‌شود مگر اینکه پلیس و شهروند، یکدیگر را - که غریبه‌اند - دوست بپندارند؛ نه اینکه بر فرض غریبه‌بودن یکدیگر را دشمن بدانند. همچنین باید خاص‌گرایی جای خود را به عام‌گرایی بدهد؛ بدین مضمون که در شرایط کنش، پلیس و شهروند یکدیگر را به‌منزله دیگری عام ببینند و انتظاری مبنی بر دیگری خاص بودن (همشهری بودن، هم‌کیش بودن، هم‌زبان بودن و ...) از یکدیگر نداشته باشند. همچنین چلبی مسئله مشروعیت را بیان می‌کند که پس از این در دیدگاه تیلر درباره آن بحث می‌شود. به گمان چلبی برای داشتن تعاملی بدون اختلال لازم است

^۱ در جستجوی نظریه‌های مناسب می‌توان از فکر استدلال قیاسی - قانونی همپل (1970) استفاده و رابطه مسئله را با نظریه مناسب تابع نظم منطقی کرد. براساس این استدلال، واقعه مطالعه‌شده (e) نمونه‌ای از واقعه بزرگ‌تر (E) محسوب می‌شود. قانون کلی که قادر به تبیین واقعه بزرگ‌تر است، درباره تبیین واقعه کوچک‌تر نیز صادق فرض می‌شود (ساعی، ۱۳۸۶: ۵۳).

^۲ Black

^۳ Sykes and Clark

نظریه عدالت رویه‌ای: اگرچه اشکال مختلف نظریهٔ تمرد در ده سال گذشته ظهور کرده است، یکی از مؤلفه‌های اصلی در تمام نسخه‌های نظریهٔ تمرد، مفهوم عدالت رویه‌ای تایلر است که در کتاب او به نام چرا قانون رعایت می‌شود به تفصیل بیان شده است (Belvedere et al., 2005: 34). از نظر تایلر سه قضاوت دربارهٔ مجریان قانون، تصمیمات قانونی و قواعد قانونی به شدت از عدالت رویه‌ای تأثیر می‌گیرند که از طریق تجربه و رابطه با مجریان قانون حاصل می‌شود؛ در واقع، مردم در صورتی که تشخیص دهند شیوه‌های تصمیم‌گیری عادلانه‌اند، دیدگاهی منفی دربارهٔ قانون، مجریان قانون و نظام قانونی پیدا نمی‌کنند و از قوانین اطاعت می‌کنند؛ حتی اگر قوانین نتایج سودمندی برای آنها نداشته باشند (تایلر و لیند، به نقل از: فیروزجاییان، 1390: 391).

مشروعیت مفهومی کلیدی در بررسی تایلر دربارهٔ اطاعت‌کردن یا اطاعت‌نکردن از قانون است. از نظر او مشروعیت قانون، کارگزاران قانون و قانون‌گذاران که از عدالت رویه‌ای تأثیر می‌گیرند، در پیروی از قوانین تأثیر مستقیم دارند (تایلر، به نقل از: فیروزجاییان، 1390: 392). همچنین اعتماد مفهومی کلیدی در نظریهٔ تایلر دربارهٔ اطاعت‌کردن یا اطاعت‌نکردن از قانون است. به نظر او اعتماد مردم به قانون و مجریان قانون در اطاعت مردم از قانون بسیار اهمیت دارد. تا جایی که بی‌اعتمادی عموم نسبت به قانون و مجریان قانون موجب اطاعت‌نکردن آنان از قانون می‌شود (تایلر، به نقل از: فیروزجاییان، 1390: 395). تایلر به جای پذیرش اجباری قانون از طرف کارگزاران، الگوی جایگزینی اعتماد مبتنی بر نیت را مطرح می‌کند. از نظر او اگر مردم باور داشته باشند کارگزاران با حسن نیت عمل می‌کنند، احتمال بیشتری وجود دارد که از روی اختیار به تصمیماتشان تن دردهند. چنین حسن نیتی عنصر مرکزی اعتماد مبتنی بر نیت است. تایلر این اعتماد را از اعتماد حسابگرانه متمایز می‌کند. اعتماد حسابگرانه یا عقلانی بر این باور مبتنی است که شخص می‌تواند به دقت پیش‌بینی کند افراد دیگر چگونه رفتار خواهند کرد. اعتماد مبتنی بر نیت شامل استنباطی دربارهٔ روح یا انگیزه‌ای است که رفتار را

نیست. بیشتر استدلال‌های آنها بر اساس تفاوت در ویژگی‌های قومی بین افسران و مظنونان بنا شده است که آنها فرض می‌کنند به طور اجتناب‌ناپذیری سبب روابط نابرابر می‌شود (Belveder et al., 2005: 33). شهروندان اقلیت ممکن است انتظارات افسران پلیس را نشانه‌ای از گرایش به برتردانستن گروه قومی خود افسر تلقی کنند؛ در حالی که ممکن است افسران، امتناع شهروندان اقلیت از بیان احترام و تمکین را امتناع از تصدیق وظایف اجتماعی همهٔ شهروندان و امتناع از تصدیق منزلت نمادین افسران تفسیر کنند (Engle, 2003: 477). الگوی تدجی و فلسون¹ (1994): تدجی و فلسون الگوی تشریحی دیگری را برای بیان اقدامات اجباری بیان کرده‌اند که الگویی با استفاده از بسط نظریهٔ ادب است. آنها ادعا می‌کنند تعامل بین پلیس و شهروند در بیشتر مواقع چالش‌هایی برای اقتدار و هویت اجتماعی ایجاد می‌کند. شهروندان برای حمایت از هویت اجتماعی خود (به‌ویژه در مکان‌های عمومی) و همچنین در پاسخ به نقض هنجارهای احترام و ادب از سوی پلیس به اقدامات قهری علیه آنان متوسل می‌شوند (Engle, 2003: 477).

نظریهٔ تمرد شرمین: این نظریه توضیحی پذیرفتنی دربارهٔ مقاومت فرد مظنون در برخورد پلیس و شهروند ارائه می‌دهد. لارنس شرمین در اوایل دههٔ 1990 آن را بسط داد و در وهلهٔ اول برای توضیح تأثیرات متفاوت ضمان‌های اجرایی رسمی تدوین شد؛ یعنی برای توضیح اینکه چرا برخی افراد [با ضمان‌های اجرایی رسمی] منع می‌شوند و برخی افراد به طور جدی جرم را تکرار می‌کنند. ایدهٔ اولیهٔ این نظریه این است که افراد خاصی برحسب پایگاه و موقعیتشان در جامعه مستعد رنجش‌اند و زمانی که در موقعیتی چالش‌برانگیز قرار می‌گیرند، در جامعه احساس ترس می‌کنند؛ در واقع، نظریهٔ تمرد بیان می‌کند که بسیاری از مظنونان قانون را نقض می‌کنند تا بر برداشت شخصی‌شان از آزار و شکنجه و احساس بی‌عدالتی یا احساسات شرم‌آور ناشی از چنین موانع بازدارنده‌ای غلبه کنند (Belvedere et al., 2005: 34).

¹ Tedeschi and Felson

براساس آنچه تاکنون ذکر شد، می‌توان خلاصه‌ای از انواع تمرد و دلایل آن را بیان کرد: تمرد برحسب نوع کنش می‌تواند تمرد ایزاری، تمرد اعتراضی یا تمرد خاص‌گرا^۱ باشد. زمانی که کنشگر سود و زیان ناشی از تمرد را محاسبه می‌کند و به این نکته آگاه می‌شود که تمرد در مجموع سود بیشتری برای او دارد و آن را انجام می‌دهد، نوع تمرد کنشگر تمرد ایزاری است که آگاهانه نیز است. در تمرد اعتراضی فرد تمرد را به نشانه اعتراض انجام می‌دهد و مشروعیت‌نداشتن قانون، نهادها و مجریان آن مبنای تمرد را شکل می‌دهند. در این حالت، هنجارها و الزام‌های درونی‌شده^۲ مقوم پیروی از فرمان پلیس از بین می‌روند. در تمرد خاص‌گرا، شخص به عمد نسبت به فرمان پلیس تمرد نمی‌کند؛ بلکه دلیل تمرد او این است که تنها براساس آنچه خود درست می‌پندارد، عمل کرده است و براساس معیارهای خاص خود تخلف یا جرمی را مرتکب نشده است تا در برابر آن از فرمان پلیس پیروی کند. مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری این نوع تمرد تأکید بر هنجارهای شخصی و حاکمیت معیارهای خاص (نگرش شخصی نسبت به قانون) به جای معیارهای عام است.

در زمینه دلایل تمرد از فرمان پلیس، مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تمرد شهروندان از فرمان پلیس طبق بررسی متون نظری ذکر شده و گزاره‌هایی در زمینه دلایل تمرد شهروندان از فرمان پلیس در جدول ۱ آورده شده‌اند.

شکل خواهد داد، نه اینکه چه رفتار مشخصی رخ خواهد داد. این نوع اعتماد همکاری داوطلبانه را تشویق می‌کند. از نظر او خود کارگزاران با عمل کردن به شیوه‌هایی که جامعه آنها را عادلانه می‌دانند، می‌توانند اعتماد ایجاد کنند؛ در واقع، واکنش‌های مردم به تجارب شخصی‌شان با کارگزاران اجتماعی در ارزیابی‌هایشان از عادلانه‌بودن رویه‌هایی ریشه دارد که آن کارگزاران در اعمال اقتدارشان استفاده می‌کنند (تايلر، به نقل از: فیروزجاییان، ۱۳۹۰: ۳۹۶-۳۹۵).

نظریه بازدارندگی: در نهایت نظریه بازدارندگی نقش مهمی در نظریه تمرد دارد.

نظریه‌های قانون‌گریزی: علی‌بابایی و فیروزجاییان نظریه‌های قانون‌گریزی را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: الف- نظریه‌های فردگرا: در این دیدگاه نظریه‌هایی وجود دارند که با تأکید بر مفهوم اختیار، رفتار فرد کجرو را تبیین می‌کنند و به دو دیدگاه گزینشی و ویژگی‌های فردی تفکیک‌پذیرند. در دیدگاه اول نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی انحرافات، جرم را براساس رویکرد گزینشی تحلیل می‌کنند. دیدگاه دوم به ویژگی‌های فردی از دو جنبه نظریه‌های زیست‌شناختی (نظریه‌هایی که بر ساختار ظاهری بدن از جمله قد، وزن، شکل بدن و به‌ویژه صورت افراد کجرو تأکید دارند و نظریه‌هایی که بر ویژگی‌های ژنتیکی و کروموزومی تأکید دارند) و نظریه‌های روان‌شناختی (بر اختلالات روانی، فکری و شخصیتی و حتی نیازهای روانی برای تحلیل انحراف تأکید دارند) نگاه می‌کند. ب- نظریه‌های جامعه‌گرا: فرد به‌منزله انسانی اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که رفتارش کاملاً منطبق با شرایطی که در آن زندگی می‌کند، فهمیدنی است. بر این اساس نظریه‌های فشار، نظریه‌های فرایند اجتماعی و نظریه‌های تضاد را می‌توان از یکدیگر تفکیک کرد. ج- نظریه‌های تلفیقی: که به سه دسته نظریه‌های چندعاملی، الگوی صفات نهفته و نظریه‌های روند حیات تقسیم می‌شوند (ر. ک. علی‌بابایی و فیروزجاییان، ۱۳۸۸: ۱۸-۱۳).

جمع‌بندی مطالعات نظری

۱ واژه خاص‌گرا به جای واژه اخلاقی در انواع سه‌گانه قانون‌گریزی انتخاب شده است. از آنجا که واژه اخلاقی بار معنایی متمایز از کنش‌های خاص‌گرا دارد، نمی‌توان واژه اخلاقی را برای کنش‌های مبتنی بر حاکمیت معیارهای خاص به جای معیارهای عام پذیرفت و نویسندگان تمرد ناشی از حاکمیت معیارهای خاص به جای معیارهای عام را تمرد خاص‌گرا می‌نامند.

جدول ۱- مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تمرد شهروندان از فرمان پلیس و پشتیبان‌های نظری آن بر مبنای نظریه‌های بررسی‌شده

مؤلفه‌ها	پشتیبان‌های نظری	گزاره‌های استخراج‌شده در زمینه تمرد از فرمان پلیس بر اساس مطالعات نظری
ویژگی‌های فردی	- رویکرد فردگرا در جرائم	ویژگی‌های زیست‌شناختی و روان‌شناختی شهروند و پلیس بر تمرد تأثیر دارند.
	- رویکرد شناختی	ادراک فرد متمرد و پلیس بر تمرد تأثیرگذار است.
	- نظریه کلاسیک	افراد با اراده آزاد و حسابگرانه دست به تمرد می‌زنند.
	- نظریه انتخاب عقلانی	علاوه بر اراده آزاد، عوامل محیطی هم در تمرد دخالت دارند.
نابرابری	- کارکردگرایی	تمرد برای فرد متمرد کارکرد مثبت و سازنده دارد.
	- نظریه کارکردی ساختی	شرایطی مثل نابرابری سبب می‌شوند فرد برای رسیدن به ارزش‌های مطلوب دست به تمرد بزند.
	- دیدگاه چمبلیس	افراد با قدرت مالی و نفوذ مالی بیشتر، تمرد بیشتری انجام می‌دهند.
	- دیدگاه مارکسیستی	سلطه طبقه حاکم بر طبقه زیر سلطه عامل تمرد است.
اعتماد	- نظریه تضاد	تضادها و نابرابری‌ها عامل تمردند.
	- نظریه بلیک	سطح بالاتر قشریندی بین پلیس و شهروند سبب تمرد است.
	- نظریه سیکس و کلارک	تقارن‌نداشتن انتظارات و قواعد هنجاری سبب تمرد است.
	- نظریه تمرد شرمین	تمرد ناشی از موقعیت چالش‌برانگیز برای افرادی است که بر اساس پایگاه و موقعیتشان در جامعه مستعد رنجش‌اند.
مشروعیت	- نظریه فمینیستی	وضعیت نابرابر زنان در جامعه بر تمرد تأثیرگذار است.
	- نظریه تایلر	اعتماد شهروندان به قانون، مجریان قانون و حاکمیت بر تمرد تأثیرگذار است.
	- نظریه چلبی	گسترش دامنه اعتماد پلیس و مردم سبب تمرد کمتر می‌شود.
	- نظریه تایلر	مشروعیت قانون، مجریان قانون و حاکمیت در نزد شهروندان بر تمرد تأثیرگذار است.
تعامل اجتماعی	- نظریه چلبی	مشروعیت بیشتر سبب کاهش تمرد می‌شود.
	- نوع تعامل دعاگویان	گسترش تعاملات قدرت پلیس سبب افزایش تمرد خواهد شد.
	- نظریه ادب نظریه تدجی	گسترش تعاملات مبادله‌ای، گفتمانی و اجتماعی سبب کاهش تمرد خواهد شد.
	- فلسفون	و نقض ساختارهای هنجاری در ادب سبب تمرد می‌شود.
ویژگی‌های مجازات	- زیان	گسترش زیان مسئولانه، صادقانه و آگاهانه از سوی پلیس بر کاهش تمرد تأثیرگذار است.
	- عام‌گرایی چلبی	با رواج عام‌گرایی به جای خاص‌گرایی تمرد کمتر انجام خواهد شد.
	- نظریه بازدارندگی	بازدارنده‌نبودن جریمه برای جرم تمرد سبب افزایش تمرد شهروندان خواهد شد.
	- رویکرد رفتاری	تقویت رفتارهای مبتنی بر پیروی از فرمان پلیس و تنبیه رفتارهای مبتنی بر تمرد از فرمان پلیس بر تمرد تأثیرگذار است.
توانمندی اجتماعی	- کنترل اجتماعی	ضعف و قوت پیوندهای اجتماعی فرد با اجتماع در تمرد تأثیرگذار است.
	- دیدگاه چمبلیس	افراد با قدرت مالی و نفوذ مالی بیشتر، تمرد بیشتری انجام می‌دهند.
	- نظریه بی‌سازمانی اجتماعی	مهاجرت، صنعتی‌شدن و رشد سریع شهرنشینی زمینه بروز تمرد را فراهم می‌کنند.
	- بی‌هنجاری	سستی هنجارهای پیشین و پایبندنبودن به هنجارهای جدید سبب افزایش تمرد خواهد شد.
فرایند اجتماعی	- یادگیری اجتماعی	تمرد از طریق کنش متقابل با دیگران متمرد و معاشرت با متمردان آموخته می‌شود.
	- خرده‌فرهنگ	افراد عضو خرده‌فرهنگ‌هایی که تمرد در آنها مقبول است، مجبور به تمردند.
	- انگ‌زنی	تمرد از طریق فرایند انگ‌زنی رخ خواهد داد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با تکیه بر رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی، دلایل تمرد شهروندان از فرمان پلیس را بررسی می‌کند. پژوهش حاضر از نظر روش‌شناختی، پژوهشی کیفی است که از روش نظریه زمینه‌ای برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت یافته بهره می‌برد. هدف نظریه زمینه‌ای ساختن نظریه‌ای است که بتواند درباره پدیده مدنظر با گردآوری سیستماتیک اطلاعات و تجزیه و تحلیل آنها روشنگری کند (ربانی و عباسزاده، ۱۳۸۸: ۱۶۹-۱۷۰). متن مصاحبه‌ها پیاده و طی چند مرحله کدگذاری شدند. فرایند کدگذاری در روش نظریه زمینه‌ای شامل سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی است که برای دستیابی به الگوی نظری یا الگوی پارادیمی نهایی ضروری است.

برای گردآوری اطلاعات، از دو نوع نمونه‌گیری هدفمند و نظری^۱ به‌صورت همزمان استفاده شده است. از نمونه‌گیری هدفمند - به شیوه نمونه در دسترس با ملاک حداکثر تنوع - برای گزینش افراد مصاحبه‌شده و از نمونه‌گیری نظری، برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های موردنیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده شده است. درنهایت با ۴۱ مصاحبه با سه گروه مأموران پلیس (۱۷ نفر)، شهروندان (۱۴ نفر) و صاحب‌نظران دانشگاهی (۱۰ نفر) اشباع نظری حاصل شد و نمونه‌گیری پایان یافت.

لینکلن و گوبا (1985، به نقل از فلیک، ۱۳۸۷: ۴۲۰) اعتمادپذیری، باورپذیری، اطمینان‌پذیری، انتقال‌پذیری و تصدیق‌پذیری را معیارهای پژوهش کیفی معرفی می‌کنند. بر این اساس در زمینه باورپذیری و اطمینان‌پذیری، وقت کافی برای پیاده‌کردن هر مصاحبه صرف و هر مصاحبه پیش از شروع مصاحبه قبلی پیاده‌سازی شد. برخی مصاحبه‌شوندگان، خروجی‌های مصاحبه‌ها و مقوله‌بندی‌ها را بررسی کردند

[اعتبار تفسیری^۲، اعتبار اعضا، بازخورد مشارکت‌کننده، ارزیابی اعتبار به روش ارتباطی] و مقوله‌ها را پالایش و بازبینی کردند. درباره نتایج پژوهش در جمع کارشناسان بحث شد [اعتبار توصیفی، مرور به‌وسیله متخصصان غیرشرکت‌کننده] تا نقاط مبهم آن شناسایی شود. همچنین اطلاعات از سه گروه متفاوت از افراد با جایگاه‌ها، موقعیت‌ها و دیدگاه‌های مختلف گردآوری شدند. پژوهشگر در طی مقوله‌بندی‌ها و تحلیل‌ها خودبازبینی کرده و در مواردی از پژوهشگران دیگری خواسته است تا مفاهیم را از متن مصاحبه‌ها استخراج و آنها را مقوله‌بندی [زاویه‌بندی پژوهشگر و اعتبار توصیفی] کنند تا سوگیری‌های احتمالی کاهش یابد. درباره انتقال‌پذیری باید گفت بدیهی است نتایج پژوهش قابلیت تعمیم به تمام جوامع را ندارند. به همین سبب تلاش شده است مفاهیم اساسی و متن مصاحبه‌ها تشریح شوند. همچنین برای برخی گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، سند ارائه شود تا توصیف حداکثری از شرایط بیان شود و بهره‌برداران از پژوهش بتوانند از آن در موقعیت‌های مشابه و البته فراتر از زمینه پژوهش حاضر استفاده کنند.

پژوهشگر در رویارویی با تصدیق‌پذیری یا تأییدپذیری باید نشان دهد یافته‌هایش در عمل و درواقع بر داده‌ها مبتنی‌اند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۸۲). او ضمن نگه‌داشتن اسناد ضبط‌شده و یادداشت‌های پژوهش، متن برخی گفته‌های مصاحبه‌شوندگان را بدون تغییر در یافته‌ها ارائه کرده است تا خواننده بتواند با استخراج مفاهیم و مقوله‌ها ارتباط برقرار کند. محمدپور چنین بیان می‌کند که اعتمادپذیری هر چهار معیار یادشده را در بر می‌گیرد و به میزانی تعریف می‌شود که در آن یک پژوهشگر می‌تواند مخاطبان را متقاعد کند که یافته‌های او ارزش توجه‌کردن را دارند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۸۳). با توجه به آنچه در توضیح چهار معیار باورپذیری، اطمینان‌پذیری، انتقال‌پذیری و تصدیق‌پذیری ذکر شده است،

^۱ هدف از نمونه‌گیری نظری به حداکثر رساندن امکان مقایسه رویدادها و موردی‌هاست تا تعیین کنیم چگونه یک مقوله از لحاظ ویژگی و ابعادش تغییر می‌کند (استراوس و کرین، ۱۳۹۴: ۲۲۰).

^۲ اعتبار تفسیری و اعتبار توصیفی بر مبنای دیدگاه ماکسول (2004; 1997) بیان شده‌اند (رک. محمدپور، ۱۳۸۹: ۸۷).

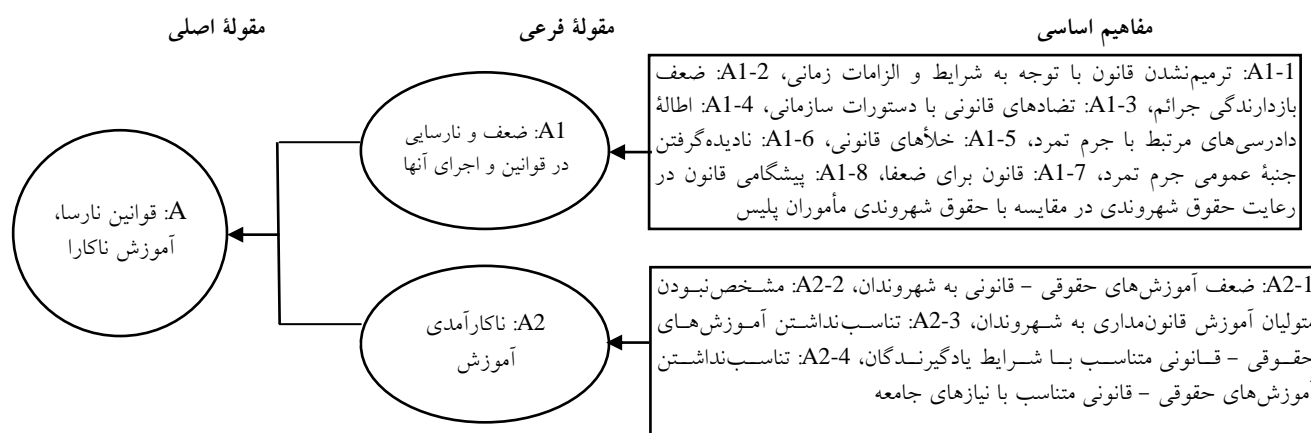
بر مبنای چارچوب نظریه زمینه‌ای، برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش - دلایل ترمرد شهروندان از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی چیست؟ - مقوله‌های عمده استخراج شده از مقوله‌های فرعی که آنها هم از مفاهیم اساسی استخراج شده‌اند، دوباره در چند دسته عوامل (عوامل علی، زمینه‌ای و مداخله‌ای)، تعاملات (راهبردها) و پیامدها تفکیک شدند و به دنبال آن مقوله‌های عمده نهایی - ترمرد از فرمان پلیس - طی فرایند دسته‌بندی با عنوان خط داستان به نگارش درآمدند و به هم متصل شدند تا نظریه‌ای مبتنی بر استقرای متناسب با شرایط استان خراسان شمالی استخراج شود.

الف- شرایط علی ترمرد از فرمان پلیس: مقوله‌های مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می‌گذارند، شرایط علی را می‌سازند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۴). شرایط علی ترمرد از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی در سه مقوله اصلی قوانین نارسا، آموزش ناکارآ، اجتماع تسهیلگر ترمرد و فرسایش سرمایه اجتماعی استخراج شدند که بر مقوله محوری یعنی ترمرد از فرمان پلیس تأثیرگذارند.

۱- قوانین نارسا، آموزش ناکارآ: به منزله یکی از مقوله‌های اصلی که جزء شرایط علی تأثیرگذار بر ترمرد از فرمان پلیس است، از دو مقوله فرعی ضعف و نارسایی در قوانین و ناکارآمدی آموزش استخراج شد.

امید است پژوهشگر توانسته باشد مخاطب را متقاعد کند که یافته‌های پژوهش اعتناکردنی هستند و مخاطب بتواند در طی مسیر از مصاحبه‌ها تا استخراج مفاهیم، مقوله‌ها و ارائه الگوی زمینه‌ای با پژوهشگر همگام شود. براساس آنچه تاکنون در زمینه ملاک‌های اعتبار پژوهش ذکر شد و براساس یافته‌های پژوهش و بحث یافته‌ها که در ادامه ذکر می‌شود، تلاش شده است به هفت معیار کربین و استراوس که به منزله معیار کفایت فرایند پژوهش پرسیده شده است، پاسخ داده شود تا مخاطب با اطلاعاتی که دریافت می‌کند، فرایند پژوهش را ارزیابی کند. این هفت معیار عبارت‌اند از: ۱- نمونه اصلی چگونه و در چه زمینه‌ای انتخاب شده است؟ (نمونه‌گیری انتخابی)؛ ۲- چه مقوله‌های عمده‌ای ظاهر شدند؟؛ ۳- برخی وقایع، رویدادها و کنش‌ها که به برخی از این مقوله‌های عمده اشاره دارند، چیست؟؛ ۴- نمونه‌گیری نظری براساس کدام دسته‌بندی ادامه می‌یابد؟؛ ۵- برخی فرضیه‌های مرتبط با مقوله‌ها کدام‌اند و در چه زمینه‌ای فرموله و آزمون شده‌اند؟؛ ۶- آیا مواردی وجود داشت که فرضیه‌ها نتوانند در برابر آنچه واقعاً دیده شده است، تاب بیاورند؟؛ ۷- مقوله هسته چطور و چرا انتخاب شد؟ (Corbin & Strauss, 1990: 17).

یافته‌های پژوهش



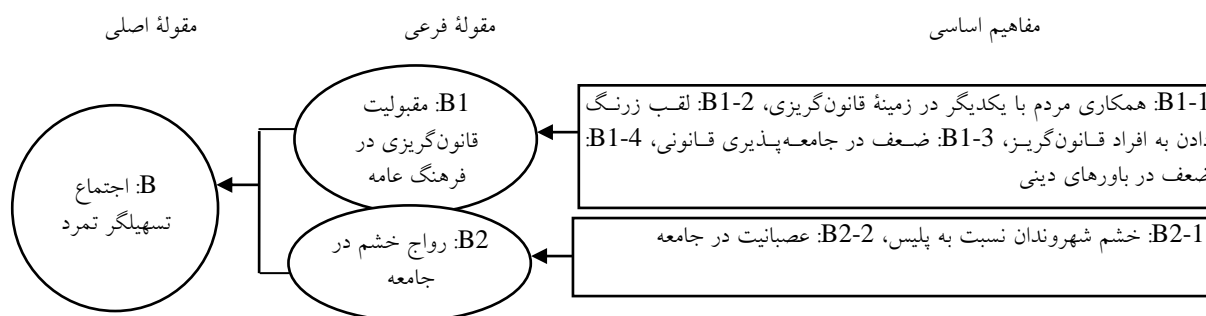
شکل ۱- مفاهیم و مقوله‌های فرعی برای استخراج مقوله اصلی قوانین نارسا، آموزش ناکارآ

ناکارآمدی آموزش: ص: «هرچی در تجربیات ذهنی‌ام می‌گردم، پیدا نمی‌کنم کجا به ما یاد داده باشند که از قانون تبعیت کنیم» (A2-1). پ: «از تعداد نزدیک به دویست تخلف که داریم مردم بیش از بیست تخلف را نمی‌شناسند. این بی‌اطلاعی از تخلفات رانندگی باعث جبهه‌گیری می‌شود و می‌گویند این مأمور دنبال بهانه می‌گردد تا ما را جریمه کند» (A2-1). پ: «ما در آموزش یک متولی خاص نداریم» (A2-2). پ-ص: «در حوزه فرهنگ‌سازی و آموزش سهم سازمان‌ها مشخص نیست. هیچ سازمانی نیست که بازخواست کند چرا اقدامی انجام نشده است» (A2-2). پ: «از آموزش قشر روستایی که رفت‌وآمد زیادی هم به شهر دارند غافل شدیم. قشر زیادی از این افراد به قوانین آگاه نیستند و ما برای آموزش آنها کار خاصی هم نکرده‌ایم» (A2-3, A2-4).

۲- اجتماع تسهیلگر ترمرد: به‌منزله یکی از مقوله‌های اصلی که جزء شرایط علی تأثیرگذار بر ترمرد از فرمان پلیس است، از دو مقوله فرعی مقبولیت قانون‌گریزی در فرهنگ عامه و رواج خشم در جامعه استخراج شد.

ضعف و نارسایی در قوانین و اجرای آنها: پ^۱: «در برخی مواقع قانون‌های ما به‌روز نیست. شاید برخی قوانین مربوط به دهه ۱۳۳۰ یا اوایل قانون‌گذاری است» (A1-1). پ: «این مجازات‌ها و جریمه‌ها بازدارنده نیست و نخواهد بود». پ: «در طرح موتورگیری قانون می‌گوید هرکس کلاه ایمنی ندارد باید توقیف شود. بعد دستوراتی از بالا می‌رسد که پیرمردها را نگیرید، رأفت اسلامی این را می‌گوید. اگر فردی با همسر یا فرزندش بود اعمال قانون نشود» (A1-3). پ: «اطالعه دادرسی‌ها باعث می‌شود حقوق شهروندی مردم زیر سؤال برود. مردم بدبین می‌شوند به نظام، حکمی که بعد از دو سال اجرا شود چه اهمیتی دارد؟ کارکرد بازدارنده‌اش ضعیف می‌شود، مردم بدبین می‌شوند. برای انجام جرم از جمله ترمرد هم جریمه می‌شوند» (A1-4). پ: «خلأهای قانونی یا بهتر بگوییم فرصت‌هایی در قانون وضع شده هست که اینها خودش باعث می‌شود زمینه ترمرد و سرپیچی در مقابل فرمان پلیس به وجود آید. مردم از این فرصت‌ها به نفع خودشان استفاده می‌کنند» (A1-5). پ: «عموماً در ترمردها پلیس از حق خودش می‌گذرد، جنبه عمومی جرم ترمرد هم نادیده گرفته می‌شود و قضیه فیصله می‌یابد» (A1-6). ش: «اگر همه در برابر قانون برابر بودند، من هم حتماً از قانون تبعیت می‌کردم؛ درحقیقت، قانون مال ما ضعیف‌هاست، ما موظف به اجرائش هستیم» (A1-7). ش: «گاهی برداشت مردم از اینکه پلیس دارد تبعیض قائل می‌شود باعث ترمرد می‌شود» (A1-7). پ: «حقوق برخی شهروندهای مجرم و متهمان رعایت می‌شود؛ اما حقوق مأمورین و حقوق شهروندان دیگر نادیده گرفته می‌شود. شما وقتی سه تا بچه دارید، بیش از حد هوای یکی از بچه‌ها را داشته باشید، خواهی نخواهی هوای آن دو تای دیگر را کمتر خواهی داشت» (A1-8).

^۱ در متن مصاحبه‌ها واژه‌های مخفف زیر معادل واژه‌های مقابل آن هستند و اشاره به فردی دارند که مطلب را بیان کرده است. پ= پلیس؛ ش= شهروند؛ ص= صاحب‌نظران دانشگاهی؛ پ-ص= پلیس - صاحب‌نظر.



شکل ۲- مفاهیم و مقوله‌های فرعی برای استخراج مقوله اصلی اجتماع تسهیلگر ترمرد

که کار بد، بد است. تا زمانی که مردم به این باور نرسند این رفتارها ادامه خواهد داشت. هر قدر هم که آموزش دهیم بی‌فایده خواهد بود» (B1-4).

رواج خشم در جامعه: ص: «بنا به گزارش‌های داخلی و خارجی (از جمله گزارش اخیر مؤسسه نظرسنجی گالوپ) ایران^۲ عصبانی‌ترین کشور دنیاست. مردم در دهه اخیر خشمگین‌اند. خشم شاگردان نسبت به استاد، خشم استادان نسبت به قوانین، خشم مردم نسبت به پلیس، خشم ارباب رجوع نسبت به کارمند و... دور از ذهن نیست که در چنین فضای خشم‌آگینی، افراد هرگونه اعمال اقتدار، به‌ویژه اقتدار صوری - وجودی پلیس را برنتابند و نسبت به آن واکنش نشان دهند و اگر مقدور باشد از آن ترمرد کنند» (B2-1). ش: «گاهی می‌بینید همه با هم دعوا دارند، چیز خاصی نگفتی اما طرف عصبانی می‌شود» (B2-2).

۳- فرسایش سرمایه اجتماعی: به‌منزله یکی از مقوله‌های اصلی که جزء شرایط علی تأثیرگذار بر ترمرد از فرمان پلیس است، از شش مقوله فرعی بدبینی نسبت به فضای اخلاقی

مقبولیت قانون‌گریزی در فرهنگ عامه: ص: «ترمرد از دستورات پلیس در ذیل ترمرد از دستورات حکومتی قرار می‌گیرد. به‌طور کلی قانون‌گریزی و ترمرد از دستورات حکومتی، امور چندان نامطلوبی در بین عامه مردم به شمار نمی‌روند. شاید این امر، به‌دلیل سابقه طولانی حکومت‌های پادشاهی و استبدادی در ایران است. ذهنیت ایرانی نسبت به حکومت، یک ذهنیت نسبتاً منفی است. براساس رسوبات فرهنگی باقی‌مانده در اذهان مردم، حکومت، اهل زور و احجاف در حق رعیت است و اگر فرصتی برای ترمرد و قانون‌گریزی فراهم شد، این کار اگر ستودنی تلقی نشود، منفی هم نخواهد بود. اینکه در جاده‌ها، رانندگان مقابل، حضور پلیس را به دیگر رانندگان اطلاع می‌دهند، می‌تواند نشانه‌ای از این امر باشد. حتی مردم در مسیر قانون‌گریزی به یکدیگر کمک می‌کنند» (B1-1). ش: «الان یک طوری شده است که اگه هرچه پلیس گفت شما بگوئید چشم، بقیه می‌گویند خود پلیس هم شاید بگوید یارو کاجه^۱ است. نمی‌شود که همیشه حرف پلیس را گوش داد» (B1-2). ص: «هرچه در تجربیات ذهنی‌ام می‌گردد، پیدا نمی‌کنم کجا به ما یاد داده باشند که از قانون تبعیت کنیم» (B1-3). ص: «اعتقادات دینی و باورهای دینی کمرنگ شده است. باید این اعتقادات تعمیق داده شود و از حالت سطحی‌نگری خارج شود. مردم باید باور داشته باشند

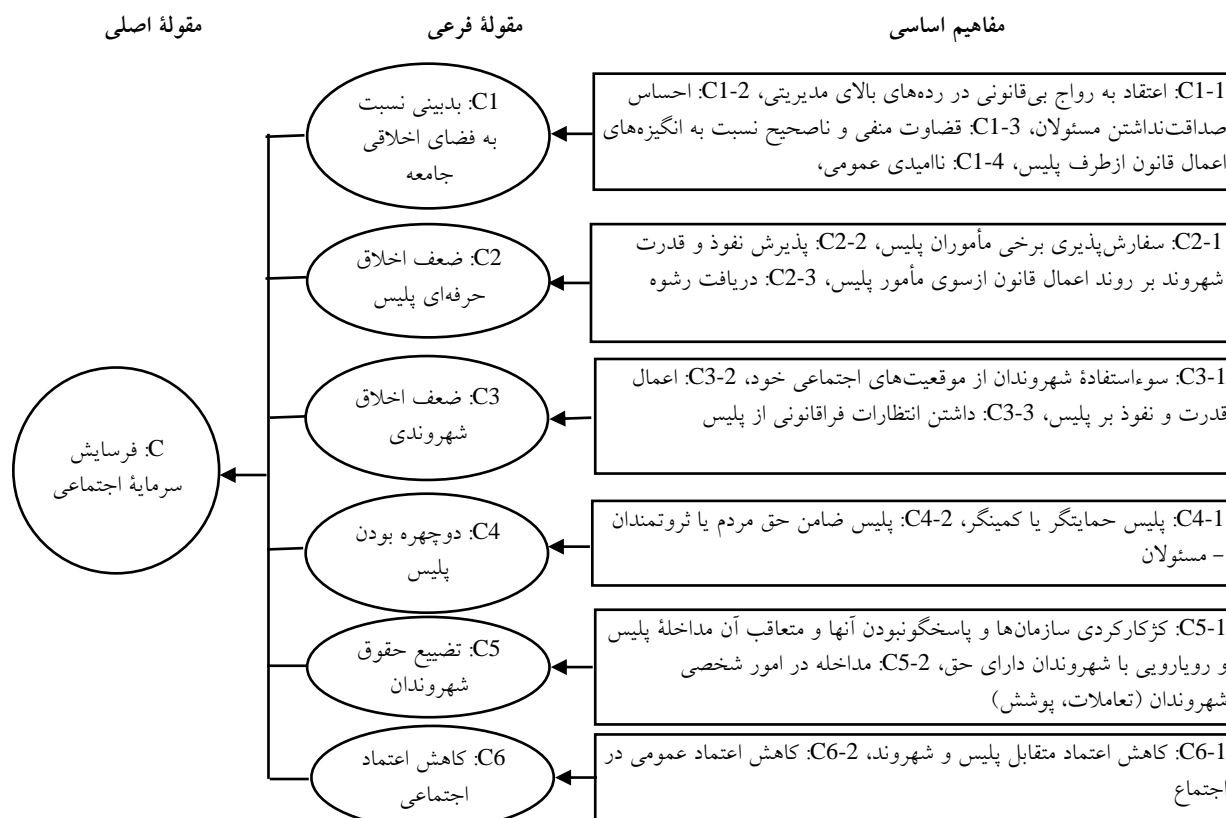
^۱ کاجه بین عموم مردم استان خراسان شمالی اشاره به فردی دارد که ساده است و بویی از زیرکی و زرنگی ندارد. عموماً اصطلاحی منفی برای افراد بسیار ساده‌لوح است.

^۲ در پژوهشی که از سوی مؤسسه گالوپ انجام شد، شهروندان سه کشور عراق، ایران، و سودان جنوبی به ترتیب خشمگین‌ترین مردم جهان معرفی شدند. حجم بالای احساسات منفی از جمله نگرانی، دردهای جسمانی، استرس و غم از جمله عواملی است که دلیل عصبانیت مردمان این کشورها عنوان می‌شود (یورونیوز، ۲۸/۱۱/۲۰۱۷)

<https://fa.euronews.com/2017/11/28/happiest-saddest-the-most-angry-people-countries-world-iran> برداشت در تاریخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۱.

کاهش اعتماد اجتماعی استخراج شد.

جامعه، ضعف اخلاق حرفه‌ای پلیس، ضعف اخلاق شهروندی، دوچهره بودن پلیس، تضییع حقوق شهروندان و



شکل ۳- مفاهیم و مقوله‌های فرعی برای استخراج مقوله اصلی فرسایش سرمایه اجتماعی

مردم قانون را قبول ندارند؛ چون در اجتماع سرخورده شده‌اند» (C1-4).

ضعف اخلاق حرفه‌ای پلیس: پ: «متأسفانه به‌خاطر سفارش‌پذیری برخی همکاران، حرف سایر مأموران هم جدی گرفته نمی‌شود» (C2-1). پ: «برخی مأموران چون آتویی دست هفت پشت طرف دارند، اعمال قانون نمی‌کنند و به یک عنوان خودش را مدیون می‌کند یا متوجه می‌شوند طرف مدیر است، قاضی است و... اعمال قانون نمی‌کنند. دفعه بعد که مأموری دیگر اعمال قانون کند برایشان سنگین است و ترمد می‌کنند» (C2-2). ص: «فرار از مسئولیت و یا دریافت رشوه ازسوی تعداد انگشت‌شماری از مأموران پلیس (به‌خصوص پلیس راهنمایی و رانندگی)، به‌شدت به وجهه و منزلت پلیس

بدبینی نسبت به فضای اخلاقی جامعه: پ: «خود مسئولان گاهی از فرمان پلیس تبعیت نمی‌کنند و در ذهن مردم هم اثرگذار است». (C1-1). پ: «یک ناامیدی بین مردم هست، من خودم فردی را جریمه کردم و او گفت: آقا چرا جریمه می‌کنید؟ پول‌ها می‌رود توی حساب، سه هزار میلیارد می‌شود، یکی دیگر برمی‌دارد و می‌رود» (C1-1, C1-2, C1-4). پ: «اگر پلیس در جایی دست به کاری می‌زند قطعاً آن حرکت برای حفظ جان و امنیت مردم باشد، چیز دیگری نیست، جریمه که می‌کنیم می‌گویند باز آخر ماه است! باز قبض‌های جریمه‌تان مانده!» (C1-3). پ: «در بخش خود ما، متأسفانه راننده‌ها در تلاش‌اند جریمه نشوند، ما در تلاشیم آنها نمی‌روند. یک تفاوت تفکر بزرگ است» (C1-3). پ: «خیلی از

در جامعه صدمه می‌زند» (C2-3).

ضعف اخلاق شهروندی: پ: «برخی می‌گویند: من جایگاه قانونی در فلان سازمان دارم. می‌توانم شما را منتقل کنم، از کار برکنار کنم». (C3-1). پ: «برخی افراد با سوءاستفاده از موقعیتشان تمرد می‌کنند؛ یا صاحب مقامی اند یا وابسته به حزبی یا پستی دارند بر روند اعمال قانون با تلفن و با سفارش تأثیر می‌گذارند» (C3-2). پ: «طرف انتظار دارد وقتی سبقت گرفت و مأمور دید، مأمور اغماض کند، مگر اینکه سبقتش خیلی خطرآفرین باشد» (C3-3).

دوچهره بودن پلیس: ش: «به‌منزله یک شهروند بارها برای من هم پیش آمده است. اینکه توی یک جاده می‌روم، پلیس ایستاده بعد اشاره می‌کند یواش بروید، پیچ است، خطرناک است. آدم یک احساس صمیمیت و نزدیکی به آن پلیس دارد. بعد گاهی در یک جاده می‌روی از دور فکر می‌کنی چیست که آن جلو ایستاده، یک دفعه می‌بینی پلیس با دوربین کمین کرده، یک‌دفعه ناخودآگاه استرسی به آدم وارد می‌شود، سریع کیلومتر را نگاه می‌کنی، سرعت را نگاه می‌کنی، کمربند بستم، نیستم، یک استرسی به آدم دست می‌دهد» (C4-1). ش: «مثلاً در جریان مؤسسات مالی انتظارمان این بود پلیس کنار ما باشد، روبه‌روی ما ایستاده بود برای حمایت از آنها» (C4-2).

تضییع حقوق شهروندان: پ-ص: «برخوردی پیش می‌آید بین سازمان خاصی و مردم، رییس آن سازمان خودش را کنار می‌کشد، ناجا باید بیاید وسط. در جایی که حق مردم است آنها را باید متفرق کند. خوب زمینه تمرد پیش می‌آید. جواب ندانم‌کاری‌ها، بی‌تجربگی‌ها و انجام وظیفه نکردن سازمان‌های دیگر را باید ناجا بدهد. قطعاً زمینه تمرد به وجود می‌آید» (C5-1). ص: «در فرمان‌های مربوط به دخالت در

برخی رفتارهای شخصی (نوع پوشش، تعاملات فردی، نوع تفریحات و...)، با توجه به تغییرات گسترده در سبک زندگی و ارتقای سطح آگاهی شهروندان، این مداخلات با مقاومت و تمرد مردم مواجه می‌شود» (C5-2).

کاهش اعتماد اجتماعی: ص: «یک بی‌اعتمادی بین مردم و پلیس هست. شما درواقع اگر از نیروی انتظامی و پلیس بپرسید، می‌گویند: این مردم ما مردمی هستند که اهل پیچاندن و تخلف هستند، از آن طرف مردم هم می‌گویند پلیس کارش به جای راهنمایی، می‌گیری است» (C6-1). پ: «یک بی‌اعتمادی عمومی هست که زمینه‌ساز تمرد هم می‌شود. برای مثال در نزدیک بیمارستان کسی پارک دوپل کرده که ممنوع است، می‌گوید من مریض دارم، عجله دارم و تمرد می‌کند. می‌گوییم خوب پزشکان هستند. شما چرا عجله داری؟ می‌گوید بالای سر مریضم نباشم معلوم نیست چه بلایی سرش بیاید» (C6-2).

ب- شرایط زمینه‌ای تمرد از فرمان پلیس: شرایط خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند، شرایط زمینه‌ای را تشکیل می‌دهند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۴). در این پژوهش دو مقوله عمده برزخ زندگی و نارسایی زیرساخت‌ها و تجهیزات شرایط زمینه‌ای تمرد از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی را در بر می‌گیرند که به‌منزله شرایط خاص بر راهبردهای تمرد (کلامی و غیرکلامی) تأثیرگذارند.

۱- برزخ زندگی: از مقوله‌های اصلی و جزء شرایط زمینه‌ای تأثیرگذار بر تمرد از فرمان پلیس است و از سه مقوله فرعی سطح پایین توسعه اجتماعی - اقتصادی، اضطراب اقلیتی - اقتدار اکثریتی و آستانه تحمل پایین استخراج شده است.



شکل ۴- مفاهیم و مقوله‌های فرعی برای استخراج مقوله اصلی برزخ زندگی

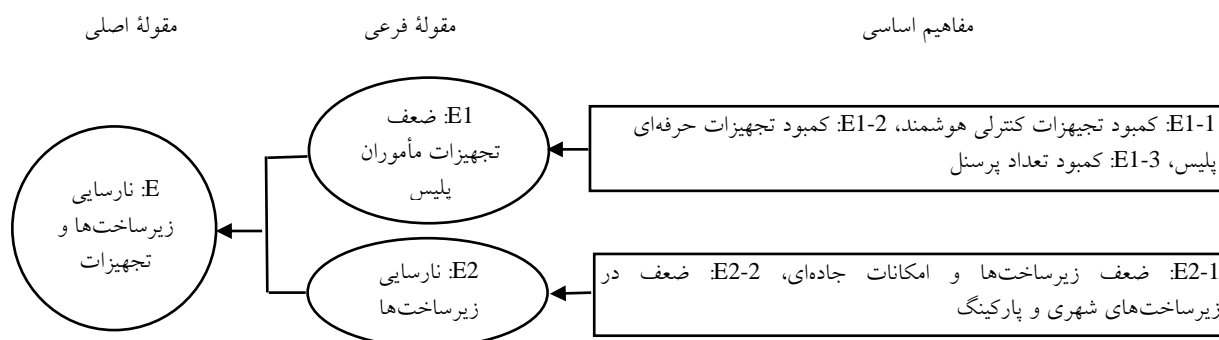
نمی‌گیرند و این تبعاتی دارد» (D2-2).

آستانه تحمل پایین: پ: «در حوزه نزاع و درگیری در استان نسبت به سرانه جمعیت در وضعیت نامناسبی هستیم. در این استان آستانه تحمل بسیاری از مردم پایین است. در برخورد مأمور با مردم هم همین طور است. تمرد پیش می‌آید» (E3-1). پ: «مسئول ما می‌گوید: اینجا استان سلحشوران است، اول می‌زنند، بعد صحبت می‌کنند. چنین وضعیتی در استان حاکم است. ما در این استان نزاع دسته‌جمعی و فردی زیاد داریم، زمینه تمرد بیشتر مهیاست» (E3-1). پ: «از نظر شرایط اجتماعی - اقتصادی وضعیت خوبی نداریم. ما سی‌امین استان برخوردار کشور هستیم. یعنی یکی مانده به آخر. این وضعیت فقر و بیکاری به تمرد هم دامن می‌زند» (E3-2).

۲- نارسایی زیرساخت‌ها و تجهیزات: به‌منزله یکی از مقوله‌های اصلی که جزء شرایط زمینه‌ای تأثیرگذار بر تمرد از فرمان پلیس است، از دو مقوله فرعی ضعف تجهیزات مأموران پلیس و نارسایی زیرساخت‌ها استخراج شده است.

سطح پایین توسعه اجتماعی - اقتصادی: پ: «جریمه‌های رانندگی شاید در سبد خانوار نباشد. من به‌عنوان یک کارمند، یک کاسب یا... بخشی از درآمد را به جریمه‌های احتمالی رانندگی اختصاص نداده‌ام و زمانی که حداقل جریمه‌ای هم از سوی راهنمایی و رانندگی می‌شوم برایم قابل قبول نیست و تمرد انجام می‌دهم» (D1-1). پ: «بخش مهمی از تمردها مربوط به تمرد موتورسیکلت‌هاست. وسایل نقلیه قانون‌گریز مثل موتورسیکلت در استان ما بسیار زیاد است» (D1-2). ص: «در زمینه تمرد تأخر فرهنگی هم هست، قشری وارد شهر شده‌اند که با قوانین شهرنشینی آشنا نیستند» (D1-3).

اضطراب اقلیتی - اقتدار اکثریتی: ص: «ما اقوام متفاوتی در استان داریم. هر کدام از این اقوام فرهنگ خاص خودشان را دارند. حتی در زمینه ارتباطات فرهنگی و اجتماعی متفاوت از هم هستند. تفاوت مذهبی هم در استان داریم. رفتارها در این استان باید با دقت بیشتری باشد» (D2-1). پ: «استانی که همه شیعه باشند، همه یک قومیت داشته باشند با استانی که ادیان و مذاهب و اقوام متفاوتی داشته باشد، فرق دارد. آنها که در اقلیت هستند احساس می‌کنند اینجا موردتوجه قرار



شکل ۵- مفاهیم و مقوله‌های فرعی برای استخراج مقوله اصلی نارسایی زیرساخت‌ها و تجهیزات

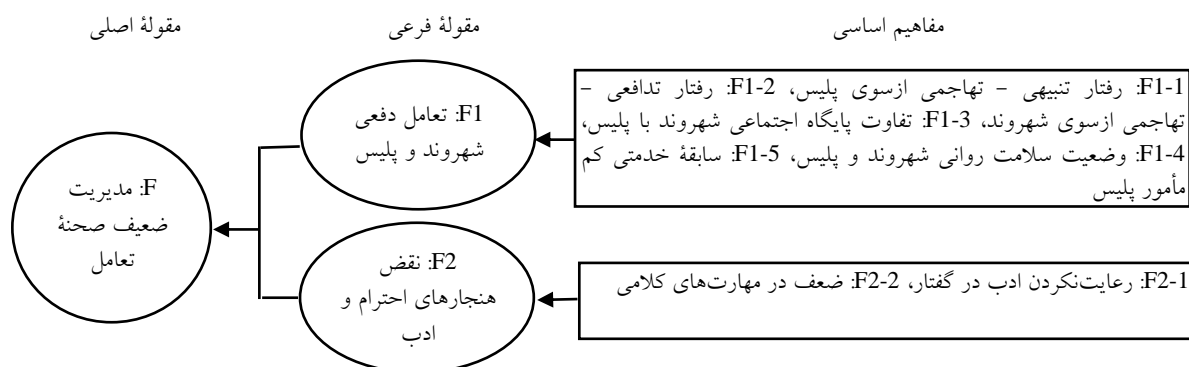
دخیل‌اند. اینکه ما در سطح شهر خودمان پارکینگ نداریم. به نوعی با خدمات الکترونیک در انجام برخی کارهای روزمره آشنا نیستیم. اینکه تردهای زائد در سطح شهر داریم» (E2-2). پ: «ما محدودیت‌های جاده‌ای داریم. در استان‌های دیگر بزرگراه داریم. با سرعت بالا می‌روند. تنها استانی هستیم که جاده بین‌المللی داریم و این حتی جاده آسیایی‌اش دوطرفه است. این در روحیه مردم و مأموران تأثیرگذار است. برخورد پلیس با مردم بیشتر است. در جاده دوطرفه پلیس قدم‌به‌قدم باید پاسخگو باشد» (E2-1).

ج- شرایط مداخله‌ای تمرد از فرمان پلیس: شرایط زمینه‌ای عمومی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند، شرایط مداخله‌گرند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۴).

۱- مدیریت ضعیف صحنه تعامل: در این پژوهش مقوله اصلی مدیریت ضعیف صحنه تعامل به‌منزله شرط مداخله‌گر تمرد از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی از مقوله‌های فرعی تعامل دفعی شهروند و پلیس و نقض هنجارهای احترام و ادب استخراج شده است.

ضعف تجهیزات مأموران پلیس: پ: «اینکه در سطح شهر من دوربین‌های ثبت تخلف نباشد و برای من یک شرایط مناسبی برای انجام تخلف فراهم شود و احساس کنم که به نوعی نظارتی از طریق سیستم‌های هوشمند بر من نیست» (E1-1). پ: «شهروندان محاسباتی انجام می‌دهند. اگر در لحظه انجام تخلف، پلیس خودروی سمند داشته باشد، فرد به خودش اجازه می‌دهد برود و از فرمان پلیس تمرد کند؛ ولی اگر ماشین ما بنز باشد، احتمال بیشتری می‌دهد ما کنترلش کنیم و نگاهش داریم، پس می‌ایستد» (E1-2). پ: «نرم جمعیتی به پلیس باید در نظر گرفته شود. ما هم تجهیزات کم داریم، هم نیرو کم داریم، خودبه‌خود تأثیر دارد و مردم از ما ناراحت می‌شوند» (E1-3).

نارسایی زیرساخت‌ها: پ: «از زمانی که استان شده‌ایم، بافت شهرهای ما که بافت قدیمی‌ای بوده از جهت رشد جامع حمل و نقل یک رشد جامعی نکرده، به جرئت می‌توان گفت خیلی از شهرهای استان ما به شرایط همان ۱۳-۱۲ سال قبل، به همان سیاق قبلی خودشان مانده‌اند» (E2-1). پ: «در تمرد فقط راننده را مقصر ندانیم. زیرساخت‌های شهری هم



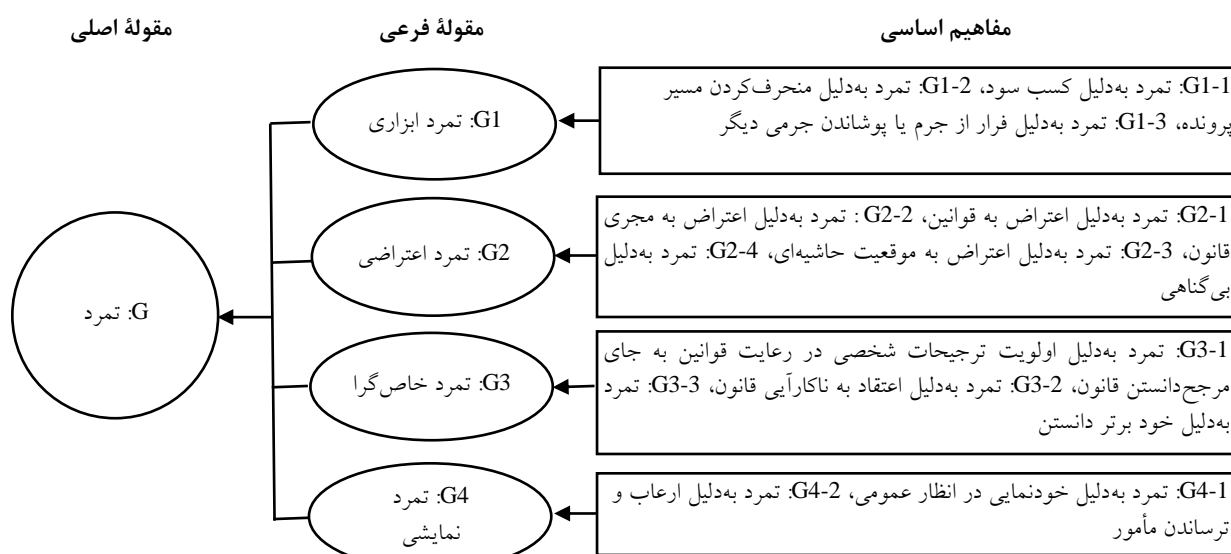
شکل ۶- مفاهیم و مقوله‌های فرعی برای استخراج مقوله اصلی نارسایی مدیریت ضعیف صحنه تعامل

نقض هنجارهای احترام و ادب: ص: «ادبیات گفتاری و رفتاری و سطح سواد پایین، برخوردهای اجتماعی پایین، رفتارها برخی اوقات زننده است» (F2-1). پ: «طرف دویست هزار تومان جریمه می‌شود، به‌خاطر این جریمه به خودش اجازه می‌دهد تمرد هم انجام دهد. اول در ادبیات گفتاری شروع به تنش می‌کنند. کم‌کم به خشونت هم می‌رسد» (F2-1). پ: «پلیس هم ممکن است در مهارت‌های کلامی ضعیف عمل کند و محاوره خوب شروع نشود» (F2-2). ش: «پلیسی که عصبی است نباید با مردم تعامل داشته باشد. بعضی‌ها اولین بار که با آدم صحبت می‌کنند انگار صدمین بار است که دارند حرفی را می‌زنند و ما نمی‌فهمیم» (F2-2, F1-4).

د- پدیده محوری: در این پژوهش پدیده محوری، تمرد از فرمان پلیس در نظر گرفته شد.

۱- تمرد: تمرد به منزله پدیده محوری پژوهش حاضر از چهار مقوله فرعی تمرد ابزاری، تمرد اعتراضی، تمرد خاص‌گرا و تمرد نمایشی تشکیل می‌شود که از مفاهیم اساسی استخراج شده‌اند. پدیده محوری تمرد به‌طور مستقیم از شرایط علی (اجتماع تسهیلگر تمرد و فرسایش سرمایه اجتماعی) اثر می‌پذیرد و بر راهبردهای تمرد (تعاملات کلامی و غیرکلامی) تأثیر می‌گذارد.

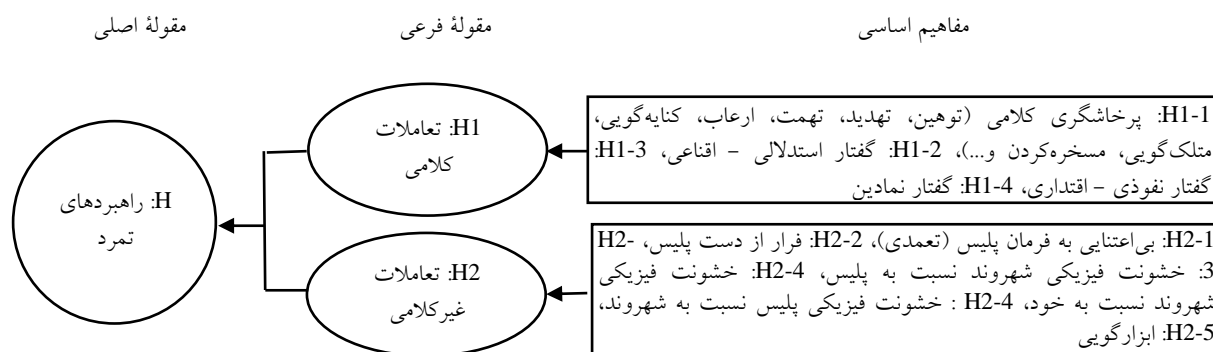
تعامل دفعی شهروند و پلیس: پ: «ما هر وقت هر ایستی داده‌ایم، جریمه کرده‌ایم. یک بار نشده ایست دهیم و راهنمایی کنیم» (F1-1). ش: «من یک آدم درجه پایینم، یک مأمور می‌آید اول به من گیر می‌دهد. آگه من اینقدر بدبخت نبودم به جایگاهی داشتم که به من گیر نمی‌داد. می‌داد؟» (F1-3). پ: «صلاحیت روانی رانندگان فقط برای افرادی که به دلایل روان‌شناختی از سربازی معاف شده‌اند، بررسی می‌شود. برای سایرین بررسی انجام نمی‌شود و زمینه تمرد در این افراد بیشتر و البته مخاطرات هم بیشتر است» (F1-4). پ: «برخی از مجرمان وضعیت روانی خاصی دارند. تمردشان به دلیل وضعیت روانی‌شان است» (F1-4). ش: «پلیسی که عصبی است نباید با مردم تعامل داشته باشد. بعضی‌ها اولین بار که با آدم صحبت می‌کنند، انگار صدمین بار است که دارند حرفی را می‌زنند و ما آن را نمی‌فهمیم» (F1-4). پ: «تجربه یک فرد با سابقه با فردی که تازه از دانشکده افسری آمده است، خیلی فرق می‌کند. ما می‌دانیم با برخورد فیزیکی کار راه نمی‌افتد؛ ولی بعضی از مأموران - جوان‌ها - تحت تأثیر شرایط اجتماعی قرار می‌گیرند. شاید سعه صدر و خویشتنداری‌شان کمتر باشد» (F1-5).



شکل ۷- مفاهیم و مقوله‌های فرعی برای استخراج مقوله اصلی تمرد

اما من با قواعد خودم رانندگی می‌کنم» (G3-1, G3-2, G3-3).
 تمرد نمایشی: پ: «بعضی‌ها به دلیل خودنمایی در انداز عمومی تمرد انجام می‌دهند، پیش بقیه می‌گویند من به پلیس باج نمی‌دهم، شلوغ می‌کند، داد و قال راه می‌اندازد، به محض اینکه وارد ماشین پلیس می‌شود همه چیز عوض می‌شود و ابراز ندامت می‌کند» (G4-1). پ: «گاهی دلیل تمرد ارباب و ترساندن مأمور است، خودش را با جریزه فرض می‌کند و داد و بیداد می‌کند تا مأمور از او بترسد» (G4-2).
 ه) شرایط تعاملی (راهبردهای) تمرد از فرمان پلیس: کنش‌ها یا برهم‌کنش‌های خاصی که از پدیده محوری منتج می‌شوند، راهبردها را تشکیل می‌دهند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۴).
 ۱- راهبردهای تمرد: در این پژوهش راهبردهای تمرد که پس از اعلام فرمان پلیس انجام می‌گیرند و می‌توانند کلامی یا غیرکلامی باشند، مقوله عمده‌ای است که به منزله راهبرد [کنش‌ها/ تعامل‌ها] از پدیده محوری یعنی تمرد از فرمان پلیس منتج می‌شود.

تمرد ابزاری: ش: «وقتی فردی در ماشینش مشروبات الکلی یا کالای قاچاق دارد اگر پلیس ایست هم بدهد طبیعی است نگه ندارد، نهایتش جریمه می‌شود» (G1-1). پ: «برخی برای جلب توجه عامه مردم در ملأ عام تمرد می‌کنند. برای اینکه افکار عمومی را بر علیه پلیس بسیج کنند داد و بیداد راه می‌اندازند، می‌گویند: چرا مرا می‌گیرید، این مملکت مگر قانون ندارد، مردم هم که نمی‌دانند این فرد مجرم است یا به فرارش کمک می‌کنند یا از او حمایت می‌کنند» (G1-1). پ: «در خصوص تمرد، بعضی‌ها به صورت حساب شده این کار را می‌کنند. به دنبال منحرف کردن مسیر پرونده هستند» (G1-2).
 پ: «برخی از تمردها برای فرار از جرم است» (G1-3).
 تمرد اعتراضی: پ: «پلیس آمد گفت ماشین حریم خصوصی نیست، باید یکسری مسائل را رعایت کرد. از آن موقع خیلی‌ها از مردم آمدند و شیشه‌های ماشین‌هایشان را دودی کردند؛ یعنی می‌خواهند به نوعی بگویند ما داریم اینجا را برای خودمان خصوصی تعریف می‌کنیم» (G2-1). پ: «برخی افراد هم به نشانه اعتراض به فرمان پلیس دست به اقدام‌های عجیبی می‌زنند. مثلاً آتش زدن موتور؛ اما این موارد بسیار محدود به یکی دو مورد است» (G2-1). ش: «گاهی تمرد به دلیل بی‌گناهی است» (G2-4).
 تمرد خاص‌گرا: ش: «من هیچ اعتقادی به بستن کمربند در داخل شهر که با سرعت کمی هم می‌روم ندارم. شاید اشتباه باشد؛



شکل ۸- مفاهیم و مقوله‌های فرعی برای استخراج مقوله اصلی راهبردهای تمرد

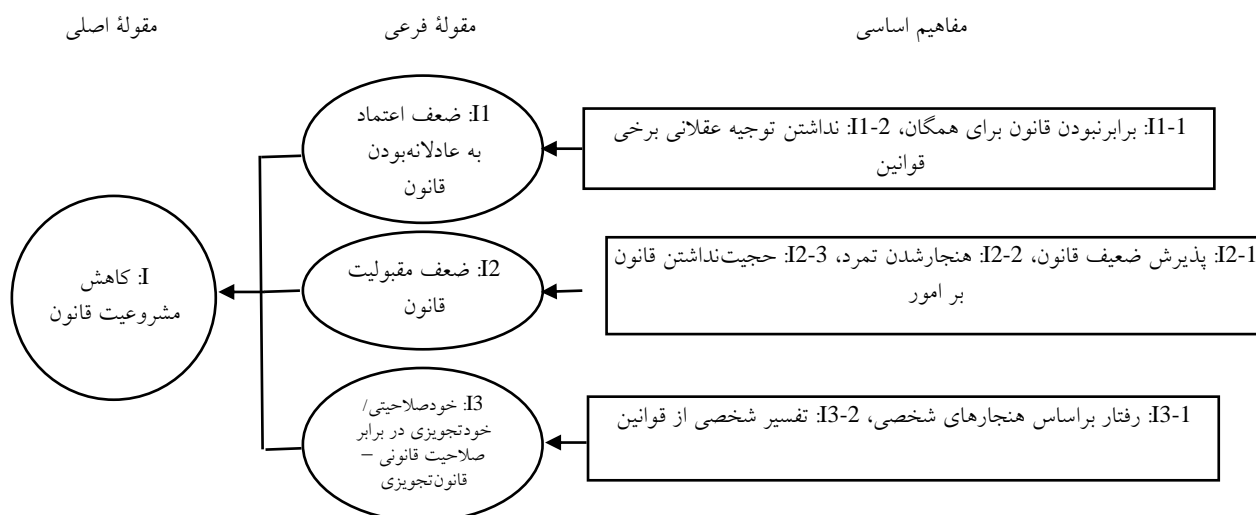
شیشه ماشینش را می‌دهد بالا، یا گاز ماشینش را می‌گیرد می‌رود، اصلاً گوش نمی‌دهد تو چه می‌گویی» (H2-5). پ: «در طرح موتورگیری مأمور صورت جلسه می‌نویسد، فرد می‌زند زیر دست مأمور و زیردستی پرت می‌شود» (H2-5). پ: «طرف موتورش را آتش می‌زند اما به پلیس نمی‌دهد» (H2-5). ش: «پلیس همچنان برگه جریمه را می‌دهد دست انگار خون پدرش را ریختی، گاهی دعوا هم می‌شود که پلیس هم هل می‌دهد فرد را و کار بالا می‌گیرد» (H2-5, 4) (و شرایط پیامدی تمرد از فرمان پلیس: خروجی‌های حاصل از استخدام راهبردها، پیامدها را می‌سازند (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۸۴). در این پژوهش مقوله اصلی مدیریت ضعیف صحنه تعامل به منزله شرط مداخله‌گر تمرد از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی از مقوله‌های فرعی استخراج شده است.

۱- کاهش مشروعیت قانون: به منزله یکی از مقوله‌های اصلی که جزء پیامدهای تمرد از فرمان پلیس است، از سه مقوله فرعی کاهش اعتماد به عادلانه بودن قانون، کاهش مقبولیت قانون و خودصلاحیتی - خودتجویزی در برابر صلاحیت قانونی - قانون تجویزی است.

راهبردهای تمرد به منزله یکی از مقوله‌های اصلی که جزء راهبردهای تمرد از فرمان پلیس و بر پیامدها اثرگذار است، از دو مقوله فرعی تعاملات کلامی و تعاملات غیرکلامی استخراج شده است.

تعاملات کلامی: ش: «پلیس هم گاهی کم نمی‌آورد از فرد، یکی این می‌گوید یکی آن و دعوا بالا می‌گیرد» (H1-1). پ: «طرف جریمه می‌شود، قبض جریمه را با اکراه می‌گیرد و می‌گوید پدری از تو درباروم من!» (H1-1). پ: «گاهی لازم است شهروند را توجیه کنید، هم به نتیجه تمردش، هم به نتیجه کار خطایش که نمی‌پذیرد» (H1-2). ش: «برخی پلیس‌ها خوب برخورد می‌کنند، دیده‌ام طرف داد و بیداد کرده است؛ اما پلیس فقط توضیح داده که چرا نباید فلان کار را می‌کرد» (H1-2). پ: «طرف در خیابان یا مکان شلوغ داد و بیداد راه می‌اندازد که: من بی‌گناه، آی مردم این عدالت است! من را بی‌گناه گرفتند» (H1-4).

تعاملات غیرکلامی: پ: «برخی فرار می‌کنند، برخی مثلاً ما را نمی‌بینند، برخی دست به یقه می‌شوند، برخی دعوا راه می‌اندازند، برخی خود را می‌زنند، گاهی کار به زد و خورد می‌رسد» (H2-1,2,3,4). پ: «در حال اعمال قانون، طرف



شکل ۹- مفاهیم و مقوله‌های فرعی برای استخراج مقوله اصلی کاهش مشروعیت قانون

باشید اما من نه. برای من قانون اعمال می‌شود برای شما نه» (I1-1). ش: «هیچ فرقی بین نرخ جریمه برای من با یک

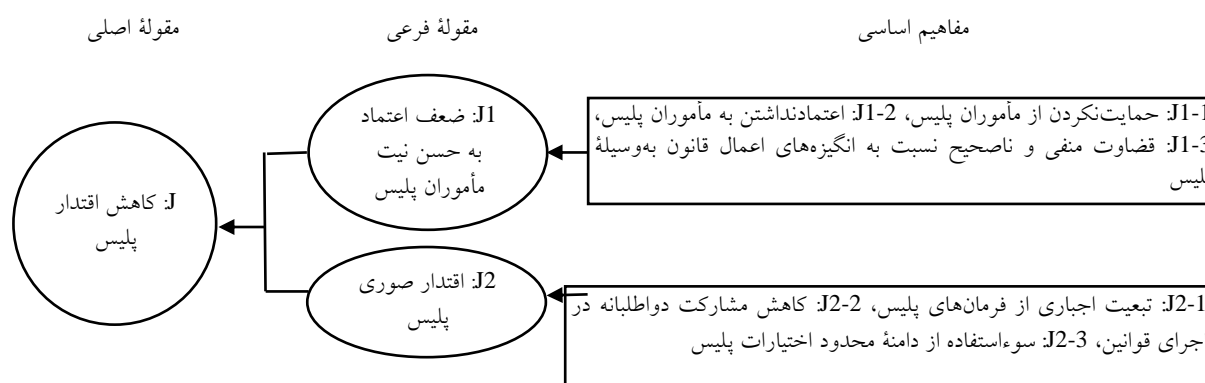
ضعف اعتماد به عادلانه بودن قانون: ش: «همه می‌دانیم که من و شما برای قانون برابر نیستیم. شما شاید به جایی وصل

خودشان مشکل خودشان را به راه خودشان حل کنند. برای همین خیلی‌ها تمرد می‌کنند. مثلاً در مسائل مالی، بدهی‌ها، جیهیزیه و...» (I3-1). ش: «من وقتی تمرد کردم که اعتقادی به آن قانون نداشتم. در داخل شهر بجنورد، خیابان‌هایی به این کوچکی، سرعت بیست کیلومتری، هیچ اعتقادی به کمربندبستن ندارم و معتقدم اگر تصادف هم کنم آن کمربند چه بسته باشد، چه نباشد تفاوتی ایجاد نمی‌کند. بارها هم جریمه شده‌ام؛ اما باز کمربند نمی‌بندم» (I3-1).

۲- کاهش اقتدار پلیس: به‌منزله یکی از مقوله‌های اصلی که جزء پیامدهای تمرد از فرمان پلیس است، از دو مقوله فرعی کاهش اعتماد به حسن نیت مأموران پلیس و اقتدار صوری پلیس استخراج شده است.

ماشین ساده مثل پراید و آن فردی که ماشین چند صد میلیونی دارد نیست. نمی‌دانم این چه قانونی است که جریمه پرایدسوار و پورشه‌سوار یکی باشد» (II-2). ش: «آیا واقعاً باید با این سرعت کمربند ایمنی را داخل شهر بست؟» (II-2). ش: «می‌آیند ماشین را از حریم خصوصی درمی‌آورند با چه توجیهی؟!» (II-2).

ضعف مقبولیت قانون: ش: «تمرد! تمرد خیلی زیاد شده، عادی هم شده است. به‌راحتی انجام می‌شود. حتی مردم در موردش فکر هم نمی‌کنند که یه جرم محسوب می‌شود» (I2-1, 2). پ: «شهروندان زیادی ما را توجیه می‌کنند، با ذهنیت خودشان قانون را تفسیر می‌کنند و انتظار دارند ما بپذیریم ذهنیتشان را و جریمه‌شان نکنیم» (I2-2). رفتار براساس هنجارهای شخصی: پ: «مردم دوست دارند



شکل ۱۰- مفاهیم و مقوله‌های فرعی برای استخراج مقوله اصلی کاهش اقتدار پلیس

نشوند، ما در تلاشیم آنها نمیرند... . راننده برایش مهم است که فقط چهل هزار تومان جریمه نشود. ما در تلاشیم برای حفظ جان آنها» (J1-3).

کاهش اقتدار صوری پلیس: پ: «اگر مأمور پلیسی نباشد یا دوربینی نباشد خدا شاهد است که تعداد کمی از مردم قوانین را رعایت می‌کنند» (J2-1). پ: «با توجه به مشکلاتی که هست مردم باید در کنار پلیس باشند، هیچ کاری بدون مشارکت مردم انجام نمی‌شود، الان اینچنین نیست» (J2-2). پ: «مردم دریافتند پلیس به‌خاطر برخی مسائل رانندگی متخلفان را تعقیب نمی‌کند؛ چون تعقیب کردن پلیس برای

ضعف اعتماد به حسن نیت مأموران پلیس: پ: «مردم هم وقتی آدم متخلف را می‌بینند به جای آنکه از او دلسرد شوند و به او تذکر دهند، از پلیسی که دارد قانون را اجرا می‌کند، پلیسی که در پی حفظ جان و امنیت اوست، دلسرد می‌شوند. مردم می‌آیند از آن آدم متخلف حمایت و پلیس را شماتت می‌کنند» (J1-1). ش: «اگر پلیس دلسوز است چرا کمین می‌کند؟! من هرگز علتش را نفهمیدم. پلیس کمینگر!» (J1-2). ش: «آخر ماه که می‌شود می‌بینند قبض‌های جریمه‌شان مانده، بی‌دلیل ما را جریمه می‌کنند تا قبض‌هاشان تمام شود» (J1-3). پ: «در بخش خود ما، متأسفانه راننده‌ها در تلاش‌اند جریمه

مداخله‌گر تمرد از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی است که به‌منزله شرایط عمومی بر راهبردهای تمرد تأثیرگذارند. در این پژوهش راهبردهای تمرد که می‌توانند کلامی یا غیرکلامی باشند، مقوله عمده‌ای است که از پدیده محوری یعنی تمرد از فرمان پلیس منتج می‌شود. دو مقوله عمده کاهش مشروعیت قانون و کاهش اقتدار پلیس خروجی حاصل از به‌کارگیری راهبردهای تمرد است که به‌منزله پیامد تمرد از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی در نظر گرفته شده است.

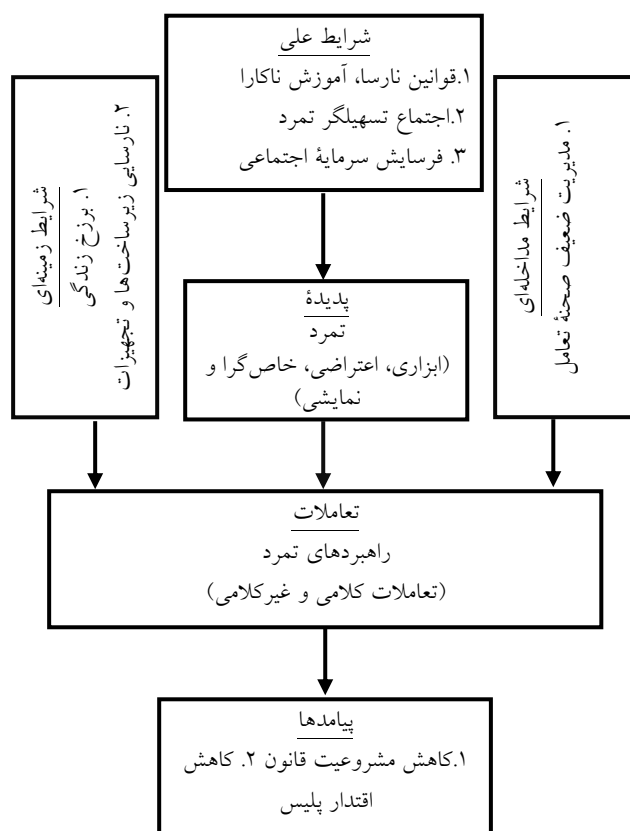
بر این اساس الگوی زمینه‌ای تمرد شهروندان از فرمان پلیس در شکل ۱۱ ارائه شده است.

با مقایسه بین نتایج پژوهش و مطالعات پیشین و مبانی نظری، باید تأکید کرد که نتایج این پژوهش در زمینه شرایط علی و مداخله‌ای با نتایج مطالعات پیشین در راستای قانون‌گریزی و تمرد شهروندان از فرمان پلیس هم‌راستاست. ضمن آنکه شرایط زمینه‌ای تأثیرگذار بر تمرد شهروندان در استان خراسان شمالی مطرح شده است که پیش از این مطرح نشده بود. ذکر این نکته ضروری است که هیچ پژوهش ملی درباره تمرد شهروندان از فرمان پلیس به‌طور خاص به چاپ نرسیده است و نتایج پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین ملی در راستای قانون‌گریزی مقایسه شده است. در پژوهش‌های بین‌المللی به جای تمرد، واژه مقاومت در برابر پلیس مبنای مقایسه قرار گرفته است؛ زیرا واژه تمرد در ادبیات حقوقی ما به واژه مقاومت در برابر پلیس در ادبیات بین‌المللی نزدیک است.

تخلف رانندگی احتمالاً حوادث وخیم‌تر رانندگی را به‌دنبال داشته باشد که تبعاتش بیش از این تخلف است. بر این مبنای تمرد انجام می‌دهند» (J2-3).

نتیجه

بر مبنای چارچوب نظریه زمینه‌ای، پدیده اصلی در این پژوهش تمرد از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی در نظر گرفته شد. از مجموع چهل و یک مصاحبه انجام‌شده، مجموعه عوامل مؤثر بر تمرد از فرمان پلیس شناسایی و در چند مرحله کدگذاری شدند. بر مبنای استخراج نتایج، مقوله‌های اصلی استخراج‌شده در چند دسته عوامل (علی، زمینه‌ای، مداخله‌ای)، تعاملات و پیامدها تفکیک شدند تا نظریه‌ای مبتنی بر استقرای متناسب با شرایط استان خراسان شمالی در زمینه تمرد از فرمان پلیس ایجاد شود. پدیده محوری در این پژوهش تمرد از فرمان پلیس انتخاب شد که انواع چهارگانه تمرد ابزاری، اعتراضی، خاص‌گرا و نمایشی را در بر می‌گیرد. شرایط علی تمرد از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی، سه مقوله عمده قانون نارسا و آموزش ناکارای، اجتماع تسهیلگر تمرد و فرسایش سرمایه اجتماعی را در بر می‌گیرد که بر مقوله محوری یعنی تمرد از فرمان پلیس تأثیرگذارند. دو مقوله عمده برزخ زندگی (سطح پایین توسعه اجتماعی - اقتصادی، اضطراب اقلیتی - اقتدار اکثریتی و آستانه تحمل پایین)، و نارسایی زیرساخت‌ها و تجهیزات، شرایط زمینه‌ای تمرد از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی را در بر می‌گیرند که به‌منزله شرایط خاص بر راهبردهای تمرد تأثیرگذارند. مقوله عمده مدیریت ضعیف صحنه تعامل شرط



شکل ۱۱- الگوی زمینه‌ای تمرد شهروندان از فرمان پلیس در استان خراسان شمالی

کرده‌اند. همچنین مقوله اعتمادنکردن به حسن نیت مأموران پلیس، به‌منزله پیامد تمرد شهروندان از فرمان پلیس استخراج شده است و تایلر (2008 in: Belvedere, et al., 2005) و چلبی (۱۳۸۲) آن را تأیید کرده‌اند؛ در واقع، اعتماد و مشروعیت در نظر تایلر و چلبی عوامل مؤثر بر تبعیت شهروندان از قانون در نظر گرفته شده‌اند. برای تایلر مشروعیت از خلال اعتماد و عدالت رویه‌ای حاصل می‌شود. همان‌طور که در این پژوهش نیز مفهوم قانون برای ضعفاً به‌منزله مصداقی برای تبعیض و بی‌عدالتی در اجرای قانون، یکی از مفاهیم اساسی در شرایط علی تأثیرگذار بر تمرد شناسایی شده است. همچنین ضعف اعتماد به عادلانه‌بودن قانون از مقوله‌های فرعی پیامد تمرد در نظر گرفته شده است.

در پژوهش حاضر تأثیر ویژگی فردی افسران پلیس و تعامل پلیس و شهروند به‌منزله مفاهیم اساسی مقوله فرعی تعامل دفعی شهروند و پلیس، از مقوله اصلی مدیریت ضعیف

محسنی (۱۳۹۱) دلایل قانون‌گریزی را شامل موارد زیر دانسته است: آشنانبودن افراد با قانون، تفسیر نارسا و نادرست از قانون، ضعف قانون، انتزاعی‌بودن قانون، جنبه حمایتی نداشتن قانون، اجرانشدن کامل قانون، پویانبودن قانون، نداشتن اعتماد و باور به قوانین، نبود اهرم‌های قوی تنبیهی و تشویقی در اجرای قانون، مشخص‌نبودن حد و حقوق افراد در برابر قانون، قانون‌شکنی، کوتاه‌کردن فاصله برای رسیدن به هدف و وجودنداشتن آموزش و تربیت مناسب و صحیح افراد از زمان کودکی برای قانونمندشدن. در این پژوهش نیز مصاحبه‌شوندگان بر تمام این موارد به‌منزله دلیل تمرد از فرمان پلیس تأکید کرده‌اند.

یکی از نتایج پژوهش حاضر استخراج مقوله اصلی کاهش مشروعیت قانون و کاهش اقتدار پلیس به‌منزله پیامد تمرد از فرمان پلیس است که تایلر (2008) به نقل از فیروزجاییان، (۱۳۹۰) و چلبی (۱۳۸۲) در بحث‌های خود به آن توجه

چلبی (۱۳۸۲) انتظارات فراقانونی شهروندان از مأموران پلیس را تأیید می‌کند که یکی از مفاهیم اساسی استخراج‌شده از مصاحبه‌ها در زمینه شرایط علی تمرد از فرمان پلیس در نظریه زمینه‌ای پژوهش حاضر است. تأکید چلبی بر عام‌گرایی است و بیان می‌کند در شرایطی که خاص‌گرایی (رفتار براساس همشهری بودن، هم‌قومیتی بودن، رفتار نابرابر به واسطه داشتن قدرت یا نفوذ و...) حاکم شود، نظم اجتماعی تضعیف و اختلال رابطه‌ای به وجود می‌آید.

نحوه تعامل پلیس با شهروندان یکی از مقوله‌های اصلی استخراج‌شده از مصاحبه‌ها در زمینه شرایط مداخله‌ای تمرد از فرمان پلیس در نظریه زمینه‌ای پژوهش حاضر است که در نظریه ادب تدجی و فلسون (1994 in: Belvedere, et al., 2005)، دیدگاه دعاگویان (۱۳۸۲)، پژوهش اسمیت (2010) و روجک و همکاران (2012) در زمینه تعامل و رویکرد رفتاری در تمرد از فرمان پلیس تأیید شده است. نحوه تعامل پلیس و شهروند نشان می‌دهد رعایت ادب از سوی هر دو بازیگر (پلیس و شهروند)، می‌تواند تمرد را کاهش دهد. به علاوه همان طور که روجک و همکاران (2012) بیان کرده‌اند، ناکامی در تعامل کلامی، امکان برخورد و مقاومت فیزیکی را افزایش می‌دهد. همچنین توجه به وضعیت روانی شهروند و پلیس که در مقوله مدیریت صحنه تعامل می‌گنجد، مدنظر پژوهش جیل و همکاران (2018) بوده است.

براساس دیدگاه چلبی (۱۳۸۲) تعامل پلیس و شهروند باید بر مبنای گسترش دامنه اعتماد پلیس و شهروند به یکدیگر باشد و این ممکن نمی‌شود مگر اینکه پلیس و شهروند، یکدیگر را - که غریبه هستند - دوست بپندارند؛ نه بر فرض غریبه بودن، یکدیگر را دشمن بدانند. همچنین باید خاص‌گرایی جای خود را به عام‌گرایی بدهد؛ بدین مضمون که در شرایط کنش پلیس و شهروند یکدیگر را به‌منزله دیگری عام ببینند و انتظاری مبنی بر دیگری خاص بودن (همشهری بودن، هم‌کیش بودن، هم‌زبان بودن و ...) از یکدیگر نداشته باشند. همان طور که از مصاحبه‌ها استخراج شده

صحنه تعامل از شرایط مداخله‌ای تأثیرگذار بر تمرد از فرمان پلیس از متن مصاحبه‌ها استخراج شد که در پژوهش شرمین (1980) نیز تأیید شده است. روجک و همکاران (2012) نیز در تأیید آن یکی از دلایل برخورد و مقاومت فیزیکی را ناکامی در دستیابی به توافق کلامی ذکر کرده‌اند. تجربه کاری مأموران پلیس که در پژوهش حاضر به‌منزله یکی از مفاهیم اساسی در شرایط مداخله‌ای از مصاحبه‌ها استخراج شده است، در پژوهش مک‌آلین و کپسوا (2004) تأیید شده است.

تفاوت پایگاه اجتماعی شهروند و پلیس که در رفتار پلیس با گروه‌های قومیتی و گروه‌های پایگاهی مختلف در این پژوهش مدنظر بوده است، در رویکرد روان‌شناختی به کجروی در دیدگاه بلیک (1976 in: Belvedere, et al., 2005)، دیدگاه شرمین (1994 in: Belvedere, et al., 2005)، پژوهش روجک و همکاران (2012) و هاورث (2006) تأیید شده است. تمرد افراد صاحب منصب و بانفوذ از فرمان پلیس که انتظارات فراقانونی دارند و در مصاحبه‌های پژوهش بیان شده است، از دیدگاه چمبلیس در زمینه جرائم افراد قدرتمند تأثیر می‌گیرد.

نابرابری و اجرانکردن برابر قانون برای همگان که به‌منزله یکی از مفاهیم اصلی از متن مصاحبه‌ها در پژوهش حاضر استخراج شده است، در نظریه تضاد، نظریه کارکردی ساختی، دیدگاه مشروعیت چلبی (۱۳۸۲)، مشروعیت تایلر (2008)، به نقل از فیروزجاییان، (۱۳۹۰)، دیدگاه اعتماد چلبی (۱۳۸۲) و دیدگاه اعتماد تایلر (2008)، به نقل از فیروزجاییان، (۱۳۹۰) تأیید شده است. همچنین ویلسون و بوکلر (2010) به سوء رفتار پلیس با شهروندان اقلیت در این زمینه اشاره کرده‌اند.

سازگاری نداشتن رفتار افراد با هنجارها و قوانین رسمی در استان خراسان شمالی که یکی از مفاهیم اساسی استخراج‌شده در زمینه شرایط زمینه‌ای تمرد از فرمان پلیس است، در نظریه بی‌هنجاری و بی‌سازمانی اجتماعی تأیید شده است.

بافت فرهنگی و وضعیت توسعه اقتصادی - اجتماعی استان خراسان شمالی معطوف باشد.

در مجموع پیشنهاد می‌شود در ارائه راهکارهای کاهش تمرد شهروندان از فرمان پلیس، ضمن توجه به شرایط علی و مداخله‌ای به شرایط خاص و پیچیدگی‌های پیش‌گفته مرتبط با استان خراسان شمالی (شرایط زمینه‌ای)، توجه ویژه‌ای شود؛ زیرا ارائه هر راهکاری بدون در نظر گرفتن شرایط زمینه‌ای محکوم به ناکامی خواهد بود. پایان پژوهش حاضر - پیامدهای تمرد شهروندان از فرمان پلیس - می‌تواند آغازی برای پژوهش‌های بعدی باشد.

تقدیر و تشکر

از همکاری جناب آقای سرگرد سجاد نامور رئیس دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان خراسان شمالی و جناب آقای سروان محمد خجسته کارشناس محترم دفتر مذکور برای تلاش‌های صمیمانه‌اش و تسهیل در امور اداری به‌ویژه هموار نمودن راه مصاحبه با مأموران و افسران عالی رتبه در راه به انجام رسیدن این پژوهش تشکر فراوان مینمایم. از جناب آقای دکتر داوود دعاگویان که نظارت طرح را برعهده داشتند و از جناب آقای دکتر سعید رفیع‌پور همکار علمی طرح، سپاس فراوان دارم. از تمام بزرگوارانی که تجربیات، دانش و تخصص خود را از طریق مصاحبه‌ها در اختیار این پژوهش قرار دادند بسیار سپاسگزارم که انجام این پژوهش به مدد آنان مقدور گردید.

منابع

استراوس، الف. و کربین، ج. (۱۳۹۴). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای*، ترجمه: ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.

امینی‌نیک، م. (۱۳۸۷). *تمرد نسبت به مأمورین دولتی در حقوق کیفری ایران*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم.

است، دید خاص‌گرایی، در شرایط علی که به‌طور مستقیم بر تمرد شهروندان تأثیرگذار است، مطرح شده است. این دید هم ازسوی مأموران پلیس سبب اعمال نابرابر قانون می‌شود و هم ازسوی شهروندان سبب انتظارات فراقانونی از مأموران پلیس، اعمال نفوذ بر مأمور پلیس و بر روند اجرای قانون می‌شود. همچنین شهروند صاحب موقعیت پایگاهی بالا به‌واسطه خاص‌دیدن خودش، از موقعیتش سوءاستفاده می‌کند. دید خاص‌گرایی در تمرد خاص‌گرا نیز دیده می‌شود که فرد خودش را همچون همه (عموم) نمی‌داند و به جای پیروی از قوانین عام از قوانین خاص و شخصی خود تبعیت می‌کند و این امر سبب اختلال رابطه‌ای و اختلال در نظم اجتماعی می‌شود. همچنین چلبی مسئله مشروعیت را بیان می‌کند که پیش از این در دیدگاه تایلر درباره آن بحث شده است. به گمان چلبی برای داشتن تعاملی بدون اختلال لازم است دارندگان و بازیگران قدرت که در اینجا مأموران پلیس‌اند، از نظر شهروندان مشروعیت داشته باشند تا اعتمادکردنی باشند و بتوان تعاملی بدون اختلال را تجربه کرد.

از آنجا که در استان خراسان شمالی اقوام متفاوتی از فارس‌زبانان، تات‌زبانان، کردهای کرمانج، ترکمن‌ها و ترک‌ها ساکن‌اند و اقلیتی از اهل سنت نیز در کنار اکثریت شیعه استان ساکن‌اند، بافت فرهنگی پیچیده‌ای در استان خراسان شمالی حاکم است و برقراری نظم در این استان ازسوی مأموران پلیس به مهارت‌آموزی و آموزش‌های خاص برای شهروندان و مأموران پلیس نیاز دارد. ضمن آنکه باید توجه شود استان خراسان شمالی در مرتبه‌های نخست نزاع‌های فردی و جمعی استان‌های کشور قرار دارد و از نظر شاخص‌های توسعه‌یافتگی جزء استان‌های محروم^۱ کشور است؛ بنابراین، ضروری است هرگونه برنامه‌ریزی در استان خراسان شمالی به پیچیدگی‌های

^۱ نتایج پژوهش شیخ‌الاسلامی و همکاران (۱۳۹۲) نشان می‌دهند استان خراسان شمالی در مقایسه با استان‌های دیگر کشور براساس روش مورس و امتیاز استاندارد رتبه ۲۶ و براساس روش تاکسونومی رتبه ۲۸ را کسب کرده و جزء استان‌های محروم از نظر توسعه در نظر گرفته شده است.

- چلبی، م. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی نظم (تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی)*، تهران: نشر نی.
- حیدری، آ؛ رضادوست، ک. و فروتن‌کیا، ش. (۱۳۹۱). «نظریه ازهم‌گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز»، *مسائل اجتماعی ایران*، س ۳، ش ۲، ص ۵۹-۳۹.
- دانایی‌فرد، ح. و امامی، م. (۱۳۸۶). «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه‌پردازی داده‌بنیاد»، *اندیشه مدیریت*، ش ۲، ص ۹۸-۶۹.
- دانایی‌فرد، ح؛ آذر، ع. و صالحی، ع. (۱۳۸۸). «قانون‌گریزی در ایران: تبیین نقش عوامل سیاسی، اقتصادی، قانونی، مدیریتی و اجتماعی - فرهنگی»، *فصلنامه دانش‌انتظامی*، س ۱۱، ش ۳، ص ۶۵-۷.
- دعاگویان، د. (۱۳۸۲). *ساختار تعامل پلیس و مردم*، تهران: سازمان تحقیقات ناجا، پژوهشکده جغرافیا.
- ربانی، ع. و عباس‌زاده، م. (۱۳۸۸). «رویکرد نظریه زمینه‌ای روش نرم یا سخت»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۴، ص ۱۶۹-۱۸۳.
- رضایی، م. (۱۳۸۴). «میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، د ۶، ش ۳، ص ۶۹-۴۷.
- ساعی، ع. (۱۳۸۶). *روش تحقیق در علوم اجتماعی (با رهیافت عقلانیت انتقادی)*، تهران: سمت.
- شاکری، الف. و رستگاری، م. (۱۳۹۳). «بررسی جرم ترمرد در حقوق ایران در مقایسه با حقوق آمریکا و انگلیس»، *فصلنامه دانش‌انتظامی*، س ۱۶، ش ۱، ص ۱۵۵-۱۲۷.
- شیخ‌الاسلامی، ع؛ بیرانوندزاده، م. و سرخ‌کمال، ک. (۱۳۹۲). «ارزیابی وضعیت توسعه در استان خراسان شمالی»، *فصلنامه علمی - پژوهشی فضای جغرافیایی*، س ۱۳، ش ۴۲، ص ۷۰-۵۵.
- علی‌بابایی، ی. و فیروزجاییان، ع. (۱۳۸۸). «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، *فصلنامه دانش‌انتظامی*، س ۱۱، ش ۴، ص ۵۸-۷.
- فلیک، الف. (۱۳۸۷). *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- فیروزجاییان، ع. (۱۳۹۰). «قانون‌گریزی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای)»، *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، س ۱۱، ش ۴۲، ص ۴۱۰-۳۸۱.
- محسنی، ر. (۱۳۹۱). «تحلیل جامعه‌شناختی قانون‌گریزی و راهکارهایی برای قانون‌گرایی و نظم عمومی»، *فصلنامه نظم و امنیت انتظامی*، س ۵، ش (۱) ۱۷، ص ۱۰۸-۸۳.
- محمدپور، الف. (۱۳۸۹). «ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی: اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم‌پذیری»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۴۸، ص ۱۰۶-۷۳.
- معین، م. (۱۳۸۷). *فرهنگ فارسی*، تهران: فرهنگ نما و کتاب آراد.
- یورونیوز، <https://fa.euronews.com/2017/11/28/happiest-saddest-the-most-angry-people-countries-world-iran>, برداشت در تاریخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۱
- Belvedere, K. Worrall, J. L. & Tibbetts, S. G. (2005) "Explaining Suspect Resistance in Police-Citizen Encounters." *Criminal Justice Review*, 30 (1): 30-44.
- Corbin, J. & Strauss, A. (1990) "Grounded Theory Research: Procedures, Canons and Evaluative Criteria." *Qualitative Sociology*, 13 (1): 3-21.
- Engel, R. S. (2003) "Explaining Suspects' Resistance and Disrespect toward Police." *Journal of Criminal Justice*, 31 (5): 475-492.
- Gill, C. Jensen, R. & Cave, B. (2018) "Exploring Physical Force and Subject Resistance in Police Encounters with People with Behavioral Health Issues." *Victims and Offenders*, 13 (8): 1106-1131.
- Haworth, K. (2006) "The Dynamics of Power and Resistance in Police Interview Discourse." *Discourse & Society*, 17 (6): 739-759.
- McElvin, J. P. & Kposowa, A. J. (2004) "Police Officer Characteristics and Internal Affairs Investigations for Use of Force Allegations." *Journal of Criminal Justice*, 32 (3): 265-279.
- Rojek, J. Alpert, G. P. & Smith, H. P. (2012) "Examining Officer and Citizen Accounts of

- Inquiry in Language Studies*, 7 (2-3): 173-186.
- Wilson, S. & Buckler, K. (2010) "The Debate over Police Reform: Examining Minority Support for Citizen Oversight and Resistance by Police Unions." *American Journal of Criminal Justice*, 35 (4): 184-197.
- Police Use-of- Force Incidents." *Crime & Delinquency*, 58 (2): 301-327.
- Sherman, L. W. (1980) "Causes of Police Behavior: The Current State of Quantitative Research." *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 17 (1): 69-100.
- Smith, W. B. (2010) "Footing, Resistance and Control: Negotiating a Traffic Citation." *Critical*